

دمکراسی یا قلدری افسارگسیخته!

سخنان جورج بوش رئیس جمهور آمریکا دیگر جای تردیدی برای شروع جنگی خانمانسوز در منطقه خاورمیانه باقی نگذاشته است. جنگی که قرار است نظم نوین امپریالیستی را بیشتر و بیشتر بر زندگی کارگران و مردم محروم جهان و خاورمیانه تحمیل نماید. جنگی که قرار است منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا و متحدانش را در کوتاه و دراز مدت تامین نماید. جنگی که امروز همه اعتراف میکنند که ابعاد تلفات انسانی و مادی آن برای مردم محروم این منطقه سرسام آور خواهد بود. این را حتی کارشناسان نظامی و سردمداران مطبوعات مجیزگوی دولت های سرمایه داری اذعان میکنند. جنگی که ابعاد جنایات ضدانسانیتش رکورد همه جنگهای تاکنونی را خواهد شکست. جنگی که در آن از پیشرفتهترین سلاحهای کشتار جمعی و بمبهای شیمیایی استفاده خواهد شد. جنگی که موجب آوارگی میلیونها نفر مردم زحمتکش و محروم این مناطق خواهد شد.

کارگران و تهیدستان جهان، اتحادیههای کارگری، کمونیستها و نیروهای چپ و رادیکال و افکار بشردوست و مترقی دنیا موضع خود را در برابر این جنگ ارتجاعی در ۱۵ فوریه - بویژه در آمریکا و انگلیس که بانی اصلی این جنگ افروزی هستند - در ابعاد میلیونی به نمایش گذاشته و جنبش جهانی علیه جنگ و بربریت امپریالیستی در ابعاد وسیعی ادامه دارد و جهان شاهد تظاهرات، اعتصاب و اعتراض بازهم گستردهتری هست و خواهد بود. روشن است که کارگران دنیا و مردم محروم بار اصلی تلفات و هزینه این جنگ را باید بپردازند و بر همین اساس در ابعاد میلیونی مخالف این جنگ بوده و در مقابلش خواهند ایستاد و بربریت ناشی از این جنگ ارتجاعی را نخواهد پذیرفت.

اما نکته قابل توجه اینست که این جنگی که دولتهای آمریکا، انگلیس و متحدانش در منطقه خاورمیانه امروز شیپور شروعش را زدهاند از کوچکترین مجوز و لگتیم در چهارچوب نظم و نسق و نرم مورد توافق خود نظام سرمایهداری نیز برخوردار نیست. حتی نهادهای و مراجع و پیمانهای سیاسی، اقتصادی و نظامی خود دولتهای سرمایهداری با آن مخالف هستند. نگاه کوتاهی به وقایع چند روز اخیر

مواضع کومهله در قبال حمله قریب الوقوع آمریکا به عراق در میتینگ بزرگی در فرانکفورت توسط ابراهیم علیزاده تشریح شد!
کنفرانس مطبوعاتی کومهله در فرانکفورت آلمان در رابطه حمله قریب الوقوع آمریکا به عراق



جهان در آستانه یک دو راهی سرنوشت ساز قرار گرفته است. تحکیم بربریت سهمناک آمریکائی و متحدینش یا پانهادن در مسیری که بشریت را به سمت عدالت و آزادی سوق می دهد. انتخاب ما اجتناب ناپذیر است.

بهار از راه می رسد، ترنم باران و نغمه جویبارهای جاری در گستره دشت و دمن، از دورن خیمه واپسین قراولان فصل سرد، طلایه نور و امید به زندگی نو را، ارمغان دارد. بکوشیم نغمه نوروز رهایی انسان را از اسارت انجماد حاکم رها سازیم.
نوروز و بهار حسنه باد!

مسائل مبرم جنبش کارگری ایران جهان امروز در گفتگو با چند تن صاحب نظر

جنبش بورژوازی اصلاحات برای تعیین حدود و ثغور کار در شرایط جدید نیاز به تامین سلطه سیاسی و ایدئولوژیک بر جنبش های مختلف اجتماعی و در مرکز همه اینها جنبش کارگری دارد. تامین این نیاز در شرایط حاضر و نقشی که قرار است این جنبش در آینده جامعه ایران و تامین منافع دولت سرمایه داشته باشد در گرو تغییراتی در قانون کار و انطباق آن با موازین شناخته شده مراجع بین المللی از جمله ILO است. بحث تشکیلهای کارگری و قانون کار در جمهوری اسلامی از اینرو به بحثهای محوری ای در این زمینه تبدیل شدهاند. جهت کمک به پیشبرد این بحثها و روشنتر شدن چگونگی مقابله با سیاستهای جمهوری اسلامی و نهادهای بین المللی پشتیبان جهتگیریهای آن، نشریه جهان امروز سولاتی را در اختیار تنی چند از صاحب نظران این عرصه قرار داده است. در زیر پاسخهای رسیده از طرف یدالله خسروشاهی و رضا مقدم را ملاحظه می کنید.

صفحه ۳

پس لرزه های ۹ اسفند!

صفحه ۹

تجمعات وسیع اعتراضی مردم بمناسبت چهارشنبه سوری
در شهرهای کردستان

صفحه ۱۲

گوشه های از برگزاری مراسم روز جهانی زن در کردستان

صفحه ۱۰

تصمیم دولت استرالیا مبنی بر اخراج پناهجویان ایرانی!

این واقعیت را بیشتر روشن میسازد. در خود شورای امنیت سازمان ملل متحد که خود ارگانی در خدمت و ساخته دولتهای سرمایه‌داری است اکثریت اعضای دائمی و غیر دائمی - از جمله فرانسه، آلمان، روسیه و چین - آن با تصمیم دولتهای آمریکا و انگلیس برای شروع این جنگ مخالف هستند. و بعد از پخش شدن سخنرانی بوش خطاب به مردم آمریکا و دنیا بسیاری از رؤسا و سران کشورهای متعدد اروپایی و سایر نقاط دنیا در موضع مخالفت با این جنگ و تصمیم آمریکا و انگلیس صحبت کرده‌اند. درصد بالایی از پارلمان انگلیس و حزب تونی بلیر نخست وزیر انگلیس با این تصمیم مخالفت کرده و سه تن از وزیران دولت انگلیس و در این میان «رابین کوک» وزیر سابق خارجه استعفا داده‌اند. در خود ناتو که پیمان نظامی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی است هم اختلاف نظر برسر شروع این جنگ در اوج خود بوده‌است. اتحادیه اروپا دچار شدیدترین اختلافات در این مورد هست. پارلمان ترکیه هنوز با اسکان دادن نیروی نظامی و ارتش آمریکا موافقت نکرده است.

در این توهمی نیست که مخالفت دولتهای امپریالیستی با این جنگ و شروع بی‌موقع آن از موضعی انسان‌دوستانه و در ارتباط با منافع کارگران و مردم محروم جهان و منطقه خاورمیانه نیست بلکه از زاویه منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خودشان بوده و در چهارچوب تضادهای درونی مابین این دولتها و تناقضات دولتها و نظام سرمایه‌داری و محدودیت‌هایی که ارگانهایی همچون سازمان ملل در برابر عظمت طلبی دولتهای بزرگ امپریالیستی با آن روبرو هست، قابل توضیح است. و در این تردیدی نیست که این جنگ ارتجاعی تحت هر عنوانی و با پشتیبانی هر نهاد و نر می هم باشد باز هم جنایتی ضدانسانی و توحش افسارگسیخته‌ای است که برای تامین منافع سرمایه‌داری امپریالیستی بر جهانیان تحمیل میشود. منتهی لازم است که خاطر نشان شود که همین دمکراسی نیم بند و نرهایی که در جهان سرمایه‌داری

هست و همین ارگانها و نهادهایی که توسط خود همین دولتها ایجاد شده در این جنگ ارتجاعی توسط دولتهای آمریکا و انگلیس و متحدانشان زیر پا گذاشته شده و جنگشان علیه مردم محروم منطقه خاورمیانه از کوچکترین پشتیبانی همین پارلمان و احزاب و دولتها نیز برخوردار نیست. حال سوال اینست که اسم این روش و منطق حل تضادهای و بحرانهای سیاسی اقتصادی را دمکراسی میتوان نام نهاد یا بربریتی افسارگسیخته که امروز علیرغم اعتراض رادیکال میلیونها نفر از مردم کارگر و زحمتکش و افکار آزادیخواه و مترقی و علیرغم اعتراض هزاران اتحادیه، و حزب و سازمان سیاسی و اجتماعی و علیرغم مخالفت شورای امنیت سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی و با زیرپانهادن همه اصول و پرنسپهای انسانی و سیاسی جنگی ارتجاعی و امپریالیستی را بر مردم جهان تحمیل میشود؟

سخنان جورج بوش نقطه پایانی بود بر تلاشهای دیپلماتیک و کشمکشهای داخلی در بین اعضای شورای امنیت و ناتو و پارلمانهای کشورهای همپیمانان. و جهان امروز منتظر شنیدن اخبار فرو ریخته شدن بمبهای هواپیماهای ب - ۵۲ آمریکا و حمله زمینی نیروی ویژه و تعلیم یافته جنگی ارتش آمریکا و انگلیس هست. سوت شروع این جنگ هر لحظه ممکن است زده شود. از این ساعت و از مدتها پیش اتمسفر جنگ و هیستری و شانتاژ جنگی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات آمریکا و انگلیس حاکم شده و به اشکال مختلف جوج بوش و فرماندهان نظامی را همچون رامبوهایی بی‌همتا به مردم آمریکا و جهان معرفی می‌کنند. از این ساعت به بعد دیگر دوره جنگ است و فضای حاکم بر مطبوعات مجیزگوی دولتهای سرمایه داری را فضای تمجید از دولتهای آمریکا و انگلیس تشکیل داده و پیروزیهای آنهاست که سرلوحه اخبار و تفاسیر مطبوعاتی قرار میگیرد. مطبوعات جنگی و وابسته به نهادها و دولتهای بزرگ امپریالیستی به هیچوجه ابعاد سرسام‌آور تلفات جانی و مالی این جنگ ویرانگر را منعکس نخواهند

کرد و اکثر خبرنگاران از قبل کشور عراق را ترک کرده اند.

جنبشی جهانی بر علیه این توحش و بربریت افسارگسیخته و بر علیه این قلدری سیاسی - نظامی دولتهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس در جریان است و جنبش کارگران و جریان اعتراض رادیکال اجتماعی در این جنبش نقشی بسیار جدی ایفا می‌کند. این جنگ ارتجاعی امپریالیستی تنها برای تامین منافع و هژمونی سیاسی، اقتصادی و نظامی دولتها و سرمایه داری امپریالیستی در منطقه به پا می‌شود و بر همه ما انسانهای کمونیست و انقلابی و همه آزادیخواهان و آدمهای انساندوست واجب است که در صف محکم این جنبش جهانی به خیابانها ریخته و به همراه جنبش کارگران و نیروهای رادیکال صدای

اعتراض نیروی معترض به این جنگ امپریالیستی را رساتر نماییم. حضور قدرتمند این جنبش جهانی جدی ترین فاکتور در به عقب نشاندن این تهاجم ضدانسانی خواهد بود.

جلال محمد نژاد
۱۸ مارس ۲۰۰۳

بعدمالتحریر:

هنگامی که این مطلب زیر چاپ بود، جنگ آمریکا و متحدانش همانطور که پیش‌بینی می‌شد با فرمان جورج بوش رئیس جمهور آمریکا شروع شد. وظیفه نیروهای مترقی ضد جنگ در سطح دیگری و با اهداف مشخص تری و برای مقابله با جنگ و عواقب آن وارد مرحله جدیدی می‌شود که ما در فرصت دیگری به آن می‌پردازیم.

گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری

اعتصاب کارگران شرکت نساجی تجارت

کارگران شرکت نساجی تجارت روز جمعه ۱۵ اسفند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای ۸ ماه گذشته خود دست از کار کشیده و در محوطه شرکت دست به تحصن زده‌اند و اعلام کرده‌اند که تا رسیدگی به خواسته هایشان به تحصن خود ادامه خواهند داد.

تحصن کارگران کارخانه سامیکو

بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا ۳۶۴ تن از کارگران کارخانه سامیکو به اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیده‌اند. کارگران روز شنبه اتوبان همدان به کرمانشاه را مسدود کردند و روز یکشنبه نیز در محل کارخانه سامیکو دست به تحصن زدند.

تظاهرات کارگران نساج اصفهان در مقابل استانداری

روز دوشنبه ۲۶ اسفند ماه بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران کارخانه های تجارت، رحیم زاده، پارس فاستونی و کوه فتح در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به راهپیمایی زده و در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. نیروهای انتظامی رژیم که تجمع کارگران را محاصره کرده بودند از آنها خواستند که متفرق شوند. کارگران امتناع کرده و شعار «ما حقوقمان را می خواهیم» سر دادند. مامورین رژیم به صفوف کارگران هجوم برده و با باتوم و چوب آنها را زیر ضرب گرفتند و کارگران مقاومت کردند. مامورین ۱۲ تن از کارگران را دستگیر که بعد از چند ساعت آزاد کردند.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد کرمانشاه

رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی کرمانشاه روز یکشنبه ۲۵ اسفند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهانه و عیدی و پاداش سالانه خود دست به اعتصاب زدند. رانندگان در این روز همه اتوبوس ها را در جاده کرمانشاه - تهران در محلی به نام «میدان لب آب» متوقف کرده و تجمع کردند. تجمع کارگران ترافیک شهر را متوقف ساخت و خبر اعتصاب به سرعت در همه شهر پیچید. بعد از ساعاتی نماینده استاندار به محل تجمع رانندگان رفته و سعی نمود که با وعده و وعید آنها را از ادامه اعتصاب منصرف سازد ولی کارگران روی تحققی همه خواست هایشان پافشاری کردند.

مسائل مبرم جنبش کارگری ایران جهان امروز در گفتگو با چند تن صاحب نظر

یدالله خسروشاهی

جهان امروز: از نظر شما رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته به آن در تعقیب چه سیاست‌هایی به بحث تشکلهای کارگری و مسائل مربوط به آن می‌پردازند؟

یدالله خسروشاهی: با توجه به عمکرد شوراهاى اسلامى کار طى ۲۵ سال، این تشکل دولتی بطور واقعی کاربرد گذشته خود را از دست داده و کارگران به ماهیت ضد کارگری و ارتجاعی آن کاملاً پی برده و به نفی کامل آن رسیده‌اند. حرکات و مبارزات کارگران طى چند سال گذشته که خارج از اراده این منصوبین بوده نمونه بارز نفی این تشکلات از طرف کارگران است. از طرف دیگر افشاء ماهیت کارکرد شوراهاى اسلامى کار و بخصوص قانون کار توسط فعالین جنبش کارگری خارج از کشور طى ۱۵ سال گذشته و کمپین ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و جلسات متعدد با نمایندگان اتحادیه‌های مختلف در سطح جهان و گذراندن قطعنامه‌های مختلف در اتحادیه‌ها بر علیه بی حقوقی مطلق و عدم وجود تشکلات مستقل کارگری در ایران، باعث گردید طى چند نوبت در سازمان بین‌المللی کار، از طریق اتحادیه‌های کارگری مختلف، قطعنامه‌هایی در محکومیت دولت ایران مبنی بر عدم رعایت مقاوله نامه‌های بین‌المللی کار به تصویب برسد. این فعالین ضمن سالها تماس مستمر با اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان توانستند با روشنگری حمایت اکثر اتحادیه‌ها را نسبت به جنبش کارگری در ایران جلب نمایند. نمونه آن برگزاری سمینار جنبش کارگری ایران در ماه ژوئن ۲۰۰۱ در کشور کانادا بود، که اتحادیه‌های آن کشور با دور زدن دولت و تشکلات دولتی موجود در ایران، از فعالین کارگری مستقل دعوت به برگزاری سمینار نمودند. هم‌چنین حمایت اتحادیه‌ها جهانی از فراخوان بین‌المللی نتیجه فعالیت چندین ساله این جمع می‌باشد. با توجه به چنین فشارهایی رژیم برای تطبیق ظاهری تشکلات کارگری با مقاوله نامه‌های سازمان جهانی کار و هم چنین برای ارضاء خواست سرمایه داران داخلی و خارجی و پیوستن به سازمان تجارت جهانی به توصیه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و با ابزار سازمان جهانی کار، از این سازمان درخواست کرد که هیاتی را برای بررسی قانون کار به ایران بفرستد. از طرف دیگر فشار جناح محافظه کار از ابتدای تصویب همین قانون کار ضد کارگری برای لغو و تغییر کلی آن باعث شد که طى سه سال گذشته بحث قانون کار تبدیل به یکی از محورهای اساسی نزاع‌های جناح‌های درون رژیم شود.

اما در رابطه با منفعت رژیم، روشن است که این رژیم هم مثل هر رژیم حافظ مناسبات سرمایه‌داری، از پرداختن به مساله‌ای مشخص به دنبال منافع معینی است. در طرح تشکل یابی کارگران نیز جناح‌های مختلف رژیم بدنبال منافع هستند. در رأس این منافع در وهله اول همانا مساله کنترل و هدایت ظرفیت اعتراضی کارگران و بکار گرفتن آن، چه در مبارزات درونی و چه اصولاً در جهت تثبیت رژیم قرار دارد. نکته‌ای که در این‌جا مایلیم بدان اشاره کنم، شکل طرح سؤال از سوی شماس، از سؤال شما این طور برداشت می‌شود که گویا رژیم اسلامی ابتدا به ساکن مبتکر ایجاد تشکلهای کارگری در ایران شده است. و با نقشه‌ای از پیش به سراغ طبقه رفته است. اما واقعیت به مراتب وسیع تر از این برداشت است.

طی دو دهه گذشته اشکال کاملاً متفاوتی از ابراز وجود اجتماعی، مبارزات و جنبشهای مختلف در ایران بوجود آمده است. این همان واقعیتی است که تحت نام جامعه مدنی از آن نام برده می‌شود. یک وجه این تحول پذیرش اجباری

مکانیسم تشکل یابی گروههای مختلف اجتماعی برای دفاع از منافع ویژه خود در چهار چوبهای حاکم است. امروز در درون سرمایه داری ایران این دیگر به یک امر پذیرفته تبدیل شده که کارگران را نمی‌توان از هر گونه تشکلی محروم کرد. زیرا این امر در برگیرنده مخاطراتی خواهد بود که میتواند کل نظام سرمایه‌داری را با خطرات جدی روبرو کند. خطر انفجار غیر قابل کنترل و خطر نفوذ کمونیست‌ها در شرایط تحمیل شرایط طاقت‌فرسا به کارگران، چیزی است که سرمایه‌داری را دچار وحشت می‌کند. البته لازم است تأکید کنم که گرایش به ایجاد تشکلهای کارگری و برقراری نوعی مناسبات کنترل شده سه جانبه یعنی کارگران، دولت و کارفرمایان، گرایش ذاتی در "جامعه باز" یا در "دموکراسی" و "جامعه مدنی" و امثالهم نیست. در بازترین دموکراسی‌ها در کشورهای سرمایه‌داری، صاحبان قدرت اگر بتوانند و خطری از جانب کارگران احساس نکنند، تمام تلاش خود را خواهند کرد که در همان تشکلهای جامعه مدنی هم کارگران را دور بزنند و از این قاعده مستثنی کنند. امروز در بعضی از کشورهای سرمایه‌داری آنجا که توازن قوا به نفع سرمایه داران است، دولت‌هایشان در صدد محدود ساختن و از بین بردن همین اتحادیه‌های موجود هستند. نمونه بارز آن تاجریسم انگلستان است. اگر کارگران مقاومت نمی‌کردند، چه بسا تاجریسم نفس تشکلات کارگری را هم زیر سؤال می‌برد. قلمداد کردن این گرایش به عنوان یک گرایش ذاتی که بعضی‌ها آنرا مطرح کرده اند، می‌تواند منجر به این اشتباه شود که هر نوع تشکلیابی کارگران در پرتو آن، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و در نتیجه از جانب سوسیالیست‌ها مردود شناخته شود. در سطح نظری این اشتباه با این تلقی مستدل می‌شود که سرمایه‌داری ایران امروز ایجاد تشکلهای واقعی را در دستور کار خود قرار داده است. چرا که در مدل مورد نظرش حتماً بایستی تشکلهای کارگری قرار داشته باشد.

اگر گرایش ضد رژیمی امروز به نفی و تخطئه هرگونه تشکلیابی غیر ایدئولوژیک کارگران از زاویه منفعت رژیم دست می‌زند، این گرایش هم از زاویه رد مدل نظری سرمایه‌داری به نفی تشکلهای غیر ایدئولوژیک دست می‌زند. که به نظر من هر دو گرایش به یک واقعیت پایه ای مارکسیسم پشت کرده اند و آن هم این است که از نقطه نظر مارکسیسم هر گونه تشکل یابی مستقل کارگران در ذات خود یک گام به جلو در راستای تبدیل طبقه به طبقه خود آگاه است.

در ایران جنبش کارگران برای ایجاد تشکل مستقل خویش همین امروز وجود دارد و بسیار هم گسترده است. این جنبشی است که هنوز از هیچ هویت ایدئولوژیک روشنی و هنوز از نیرو و توان لازم برای تقابل با انواع آلترناتیوهای سرمایه‌داری برخوردار نیست. اما این جنبش مستقل طبقه است. جنبشی است که انواع گرایشات را در دل خود جا داده است. تنها وجه مشخصه تعیین کننده این جنبش تن ندادن آن به رهبری سرمایه‌داری است، که امروز فقط با جناحهای رژیم تداعی و اجرا می‌شود. آلترناتیوی که امروز در مقابل یک فعال سوسیالیست قرار دارد، مبارزه برای حفظ و تقویت همان وجه تعیین کننده این جنبش مستقل طبقاتی است که در شرایط امروز ایران هم معنایی جز ممانعت از تلاشهای جمهوری اسلامی در این زمینه ندارد.

جهان امروز: مبارزه برای ایجاد تشکل‌های کارگری چه ارتباطی با مبارزه عمومی برای آزادیهای دموکراتیک و مبارزه عمومی علیه رژیم اسلامی دارد؟

یدالله خسروشاهی: بنظر من آزادی واقعی و برگشت ناپذیر در یک جامعه بستگی تام و تمام به آزادی طبقه کارگر و رهایی او از نظام سرمایه‌داری است. که این در گرو مسلط شدن طبقه کارگر به سرنوشت خویش است. بدون رهایی واقعی طبقه کارگر از قید نظام سرمایه‌داری هر دستاوردی به هر شکل

فعالین حیظه جنبش کارگری به معنای پذیرش وضع موجود، الزاماً تشویق کارگران بسوی مبارزه صرفاً قانونی و در چارچوب نظام مزدی است. در حالی که وظیفه سوسیالیست ها سازماندهی سوسیالیستی کارگران نه تنها برای نفی قانون سرمایه، بلکه اساساً نفی نظام سرمایه است. عمده کردن قانون و صرف مبارزه در چارچوب آن بازی در زمین سرمایه است که هیچ ربطی به سوسیالیسم و مارکسیسم ندارد.

اما از طرف دیگر می دانیم از زمانی که جامعه طبقاتی شکل گرفته است طبقات تحت ستم مبارزه خستگی ناپذیری را برای تنازع بقاء خود در پیش گرفته اند، مبارزه با بلای طبیعت و فعالیت در راستای ابزار سازی، مبارزه با نظام برده داری تا نفی و پاشیدن جامعه برده داری، مبارزه جهانی دهقانان با مالکین و فئودالها تا نفی نظام فئودالی همه سیر تاریخی قیام زحمتکشان را در مقابل دیده گان ما قرار می دهد. انکشاف سرمایه داری در سطح جهان با خود طبقه کارگر را بوجود آورد. این طبقه از ابتدای شکل گیری و تاکنون مبارزه بی امانی را بر علیه نظام سرمایه داری در دستور کار خویش قرار داده است. آنجا که از نظر درک طبقاتی ارتقاء یافته بود به نفی این نظام اقدام کرد و در مقطع کمون پاریس و انقلاب ۱۹۱۷ شوروی سابق هر چند برای مدتی کوتاه، دریچه نوینی را به روی بشریت گشود و نوید بخش جامعه عاری از استثمار گردید. بشریت تحت ستم در حلقه های ضعیف تر این مبارزه، در زمینه فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای مختلف با توجه به قدرت مبارزه کارگران و اقشار تهیدست و توازن قوای درون جامعه، سرمایه داری را مجبور به پذیرش بخشی از خواسته های خود نمود که بشکل قانون در جامعه تثبیت شد.

بنابراین جنبه های نسبتاً حمایتی قانون بطور کلی و یا قانون کار بطور اخص، نمود بیرونی و تثبیت شده مبارزات طبقه کارگر طی ۳۰۰ سال گذشته و انسان های تحت ستم طی قرون متمادی است که شکل ظاهری آن قانونهایی است که در حکومت های مختلف سرمایه داری به ناچار مورد پذیرش حاکمان قرار گرفته است. طی دوران تاریخی هیچ امکان فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را نمی توان یافت که سرمایه داران و حاکمان بر مبنای میل و اراده خود امتیازی به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه اهدا کرده باشند. از مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه تا تثبیت اول ماه می به عنوان روز کارگر گرفته تا حق آزادی انتخاب برای همه و بخصوص زنان، تا آزادی اندیشه و بیان و تفکر و غیره. در ارتباط با قانون کار نیز همین مسئله بشکل خیلی عریان مشهود است. هیچ امکان فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود ندارد که کارگران برای بدست آوردن آن مبارزه نکرده باشند و مبارزینی را از دست نداده باشند. بنابراین امکانات حمایتی قانون کار چه در کشورهای پیشرفته و چه کشورهای عقب نگهداشته شده، حاصل مبارزات سالیان متمادی طبقه کارگر است و خون بهای هزاران هزار کارگر مبارز و از جان گذشته که برای بند بند ماده های حمایتی و رفاهی آن جان خود را از دست داده اند. اولین ماده قانون کار که "تعریف کارگر" را در بر دارد، نشانه مبارزه بی امان کارگران برای پذیرش آنان بعنوان یک انسان و نه برده و ابزار کار از طرف صاحبان قدرت و سرمایه می باشد. این مبارزه به جایی رسید که سرمایه داران را ناچار کرد بپذیرند که در جامعه دو طبقه وجود دارد، یکطرف کارگرانند و طرف دیگر سرمایه داران، و ناچار شدند آن را روی کاغذ بیاورند و مکتوب کنند و امضاء خویش را پای آن بگذارند و بگویند که انسانهایی هم بعنوان کارگر در جامعه وجود دارند. به هر بند حمایتی از قانون کار که نگاه کنیم از ابتدا تا انتها، نتیجه مبارزات و از جان گذاشتگی کارگران در سطح جهان می باشد. لذا بایستی بپذیریم که وجوه رفاهی قانون بطور کلی در جامعه سرمایه داری و قانون کار بطور مشخص با توجه به توازن قوای آن دوره مشخص، هدیه صاحبان ثروت و قدرت به مردم آن جامعه و کارگران نیست. بلکه مواد حمایتی آن نتیجه مبارزات اقشار مختلف جامعه و کارگران برای برسیمت شناساندن بخشی از خواسته های خویش از طرف سرمایه داران می باشد.

و با جانفشانی هر نیرویی قابل بازپس گیری است. بررسی تمامی جنبش های غیر کارگری در سطح جهان مؤید چنین نظری است. تسلط احزاب غیر کارگری بر کشورهای بلوک شرق و شوروی سابق بجای طبقه کارگر، جنبش های دانشجویی در کشورهای مختلف از جمله چین و کره جنوبی و ایران با آنهمه خون هایی که ریخته شد بالاخره ساکت گردید. آزمون که کارگران کره جنوبی به میدان آمدند رژیم ناچار به عقب نشینی هایی شد. یا در انقلاب ۱۳۵۷ ایران زمانی که کارگران با تمامی وزن خود به میدان آمدند حتی شاه هم "صدای انقلاب" را شنید. بنظر من خواست دموکراتیک اقشار غیر کارگری در جامعه سرمایه داری تا حدودی مورد پذیرش است. با نگاهی به کشورهای پیشرفته سرمایه داری در سطح جهان متوجه می شویم که در چارچوب این نظامها خواسته های دموکراتیک اقشار مختلف به نسبت بالایی برآورده شده است. مطبوعات و انتشار کتب آزاد است. حق بیان و اندیشه، حق ایجاد احزاب سیاسی و جمعیت ها و نهادهای دموکراتیک برسیمت شناخته شده است. جنبش دانشجویی و جنبش های دیگر تشکلات خاص خود را بدون تصویب در مرجعی در اختیار دارند. آزادی تجمعات، راهپیمایی ها، تظاهرات و.. آزاد است. اما بدرستی شاهدیم که همین دموکراسی نیم بند در جلو درب کارخانجات متوقف شده است. در محیط کار نظام سربازخانه ای حاکم است. دستمزد کارگران به یغما برده می شود. جلو اعتصابات با ابزارهای قانونی گرفته میشود. محدود کردن کارگران به عدم پیوستن آنها به اتحادیه ها به اشکال گوناگون عملاً به پیش می رود. کارهای قراردادی و پیمانی، قطع مزایا و دستاوردهای گذشته کارگران در حال اجرا است. در تمامی کشورهای عقب نگه داشته شده از جمله ایران، اولین حرکت دولت حافظ منافع سرمایه داران حمله به دستاوردهای دموکراتیک، سرکوب تشکلات کارگری و نفی فیزیکی فعالین جنبش کارگری بوده است. در مقابل کارگران نیز برای خنثی کردن حرکات سرمایه داران مبارزاتی را به پیش می برند. این جنگ طبقاتی بشکل واقعی در بطن جامعه وجود دارد. بنابراین می توان گفت که سرمایه داری بطور واقعی امکان جوابگویی عملی حتی به خواسته های دموکراتیک کارگران را ندارد. لذا تنها نیرویی که بخاطر تضاد طبقاتی اش با سرمایه تا محو کامل این نظام همواره در میدان مبارزه و در رویارویی مستقیم با نظام سرمایه داری قرار دارد، طبقه کارگر جهانی است. ابزار این مبارزه در مرحله اول وحدت کارگران در تشکلات مستقل توده ای خودشان، داشتن حق اعتصاب و حزب سوسیالیستی کارگران است. که در مرحله فعلی کارگران ایران فاقد این ابزارهای لازم برای مبارزه هستند. لذا پیوستن سایر جنبشهای اجتماعی به حرکت این طبقه در بطن جامعه و حمایت بیدریغ از حرکت و خواسته های کارگران از جمله ایجاد تشکلهای توده ای و سیاسی آنها، برگشت ناپذیری دستاوردهای دموکراتیک در جامعه را تضمین خواهد کرد و راهگشای حرکت به پیش تمامی اقشار مختلف جامعه برای دستیابی به خواسته های دموکراتیکشان خواهد بود. دموکراسی واقعی در گرو حاکمیت اکثریت آحاد جامعه بر اقلیت کوچک و ناچیز است.

جهان امروز: تغییرات در قانون کار چه تأثیراتی بر زندگی و مبارزات کارگران دارد و از نظر شما کدام حلقه اصلی در بحث قانون کار در شرایط حاضر می تواند بیشتر به وحدت طبقاتی کارگران و مبارزاتی آنان کمک برساند؟

یدالله خسروشاهی: قبل از اینکه به سؤال شما پاسخ گویم، لازم می بینم تا نظرم را در مورد قانون و بطور مشخص قانون کار در جامعه سرمایه داری بیان کنم. بنظر من فردی که خود را سوسیالیست می داند و معتقد به نفی نظام سرمایه داری است از نظر اصولی نمی تواند اصولاً قانونی بنام قانون کار که حاصل روابط سرمایه داری است را بپذیرد. چرا که پذیرش قانون و یا قانون کار در حیظه نظری، به معنای پذیرش این نظام است. این پذیرش نظری برای

اینها سازمانیابی تشکلات مستقل کارگری در صنایع بزرگ کشور و در نهایت ایجاد یک تشکل توده‌ای و مستقل در سطح کشور می‌تواند حلقه اصلی بحث فعلی قانون کار را در بر گیرد و به وحدت طبقاتی کارگران کمک رساند. تقویت جنبش کارگری و فراروی از موقعیت فعلی بنظر من در گرو وجود آمدن تشکلات توده‌ای کارگران با نفی تشکلات دست ساخته "دوم خردادی" است. که در ادامه و در کنار آن می‌توان به مراحل پیشرفته تری از سازماندهی آگاهانه مبارزات کارگری بیانجامد.

جهان امروز: فعالین طرفدار جنبش کارگری در خارج از کشور چه تأییراتی بر این روند می‌تواند داشته باشند؟

یدالله خسروشاهی: بنظر من فعالین راستین جنبش کارگری و نهادهای سیاسی که خود را متعلق به این جنبش می‌دانند، در دو زمینه قادرند تأییراتی بر روند مبارزات کارگران در داخل داشته باشند. در مرحله اول دخالت در بحث‌های نظری در رابطه با مسائل و معضلات اساسی طبقه کارگر ایران است. که با نوشتن مطالب و مقالات متعدد که در نشریات داخل به چاپ برسد می‌توانند در رویارویی با نظریه پردازان سرمایه دخالت مستقیم داشته باشند و در زمینه آگاهی طبقاتی و افشاء ماهیت نظریات ارائه شده از طرف عاملان سرمایه تأثیر مثبتی بر روند حرکت کارگران داشته باشند. از طرف دیگر، در ارتباط مستقیم با خواسته های روزمره کارگران قادرند یک کمپین فراگروهی و فرانهادی را در خارج از کشور سامان دهند و خواسته ها و مشکلات و مبارزات کارگران ایران را به سر تیتزر رسانه‌های گروهی مبدل کنند. برای جلب حمایت کارگران جهان از مبارزات و خواسته‌های کارگران ایران اقداماتی عمومی را در خارج از کشور در دستور کار خویش قرار دهند. همان طور که در بالا اشاره کردم، در این زمینه طی سالهای متعددی و تاکنون اقدامات زیادی از طرف فعالین جنبش کارگری خارج از کشور صورت گرفته است اما بخاطر عدم یکپارچگی این اقدامات، آن نتیجه مطلوب عاید نگردیده است. لذا احتیاج مبرم به یک عمل مشترک است تا بتوان به دستاوردهای بسیار بالاتری رسید. حرکتی برنامه ریزی شده و مورد توافق جمعی فعالین جنبش کارگری در خارج می‌تواند بطور واقعی تأییرات مثبتی بر حرکت و مبارزات رادیکال کارگران در داخل کشور داشته باشد. حرکتی چون همین فراخوان اعلام شده در حمایت از کارگران ایران می‌تواند نمونه خوبی از اقدامات جمع فعالین راستین جنبش کارگری در خارج باشد.

حال که صحبت از فراخوان بین المللی در حمایت از کارگران ایران به میان آمد، جا دارد که به نظراتی که در این مورد مطرح شده و به کمپین اعلام نشده ای که برعلیه این حرکت از طرف چند نفری راه افتاده اشاره‌ای داشته باشم. یکی از نظرات مطرح شده در مقابل این حرکت، دعانویسان حرفه ای و پاسیفیست ها هستند که پشت سنگر بی حرکتی، سنگر گرفته اند. آنها فکر می‌کنند با بیان آرزوها همه چیز حل می‌شود. این‌که بایستی کار تئوریک کرد حرفی است اصولی. ولی این کارهایی که تحت نام کار تئوریک از جانب چنین نسخه پیچانی که در کنج خانه نشسته و هرگونه حرکتی را که با آرزوهایشان همخوانی ندارد، رد و صنفی کاری و اخیراً ضد سوسیالیستی قلمداد می‌کنند، را نمی‌توان به حساب کار تئوریک گذاشت. این‌که آرزو کنیم اتوبوس، آب، برق، گاز و.. مجانی و یا این‌که در شرایط فعلی که طبقه کارگر ایران حتی ظرف مبارزاتی اقتصادی‌اش را ندارد، از آنها بخواهند که خواسته‌های سوسیالیستی‌شان را طرح کنند، که مشکلی از مشکلات کارگران حل نمی‌شود. کافی است که کلمه "کارمزدی" و همه چیز مجانی را از این جماعت گرفت تا به پوچی و توخالی بودن شعارهای خود پی ببرند و خلع سلاح شوند. نظر دیگری است که یکباره شعار "لغو قانون کار و تصویب قانون کار با شرکت صاحب نظران و نمایندگان کارگران" را اعلام نموده است. همان‌طور که همه اطلاع داریم، در سال های ۶۰ و ۶۱ راست ترین بخش

ولی بحث عمده در این جا این است که در عین حال که در بعد سوسیالیستی مبارزه، کل نظام مزدی را نفی می‌کنیم و بایستی مبارزه‌ای را سازماندهی نماییم که هرگونه اثری از آثار سرمایه از جمله قانون کار را مورد سؤال قرار دهد و نفی کند ولی در عین حال نیز در بعد دموکراتیک مبارزه آگاهانه طبقاتی، نه تنها باید قانون کار و جنبه‌های ارتجاعی آنرا افشاء نمود بلکه تغییرات آنرا در جهت ارتجاعی تر کردن و لغو جنبه های حمایتی و رفاهی آن را (که در بالا گفتم دستاورد مبارزات کارگران است) بایستی افشاء نمود و مبارزه ای را در جهت آن سازمان داد.

با توجه به این نکات به سؤال شما برمی‌گردم. بنظر من تغییراتی که طی چند سال حاکمیت اسلامی در قانون کار بوجود آمده و به خصوص تغییراتی که از زمان رئیس جمهوری رفسنجانی و پس از جنگ شروع شده و تاکنون ادامه یافته، بر فقر و فلاکت و بدبختی طبقه کارگر افزوده است. طبق آمار غیر رسمی حدود ۵/۵ میلیون نفر بیکار (آمار رسمی ۳/۵ میلیون نفر است) در جامعه وجود دارد. نزدیک به ۹۰٪ زنان شاغل از چتر حمایتی قانون کار بیرون گذاشته شده اند. کارگران کارگاه‌های ۵ نفر و کمتر و قالی‌بافان که اکثر آنها کودکان و زنان هستند، خارج از امکانات قانون کارند. کارگران کارگاه‌های ۱۰ نفر و کمتر که ۵۲٪ کارگران شاغل را شامل می‌شوند از ۳۷ ماده حمایتی قانون کار بیرون گذاشته شدند. اکثر دستاوردهای کارگران که طی مبارزات متعددی آنها را بدست آورده بودند از آنها بازپس گرفته شد. و یک فضای رقابتی شدید در بازار کار بوجود آورده‌اند. من در مصاحبه قبلی با نشریه شما اعلام کردم که با بودن چنین رژیم بر مسند حکومت روز بروز بر فقر و فلاکت کارگران افزوده خواهد شد و می‌توان گفت که کارگران با از دست دادن همان حداقل های قانونی نیز در وضعی قرار می‌گیرند که عین بی حقوقی (حتا با همان معیارهای سرمایه داری) می‌باشد. کل رژیم با به فلاکت کشاندن کارگران در صدد است که محیط امن و یک بازار کار ارزان را برای سرمایه داران داخلی و خارجی بوجود آورد و آنان را تشویق به سرمایه گذاری در ایران کند. با توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و پیشنهاد سازمان جهانی کار در صدد تغییر قانون کار برفع سرمایه داران هستند و این روند در حال حاضر در برنامه آنها قرار دارد. من در مطلب خود بعنوان "تشکلات کارگری و جبهه دوم خرداد" که در چند ماه پیش نوشتم بشکل کامل در این مورد توضیح داده ام. (در این مورد به سایت بنیاد کار و کتاب پژوهش کارگری شماره ۷ رجوع کنید)

اما اینکه کدام حلقه اصلی در بحث قانون کار می‌تواند به وحدت طبقاتی کارگران و تقویت نیروی مبارزاتی آنها کمک کند، بنظر من دلیل اصلی این فلاکت ها و نابسامانی‌های موجود و این‌که سرمایه‌داری ایران به این شکل جرات کرده به دستاوردهای موجود کارگران حمله ور شود، عدم وجود یک جنبش مبارزاتی و رادیکال کارگری در میدان نبرد است. کارگران در موقعیت فعلی از نظر تشکلیابی و اقتصادی در ضعیف ترین مرحله تاریخی خود پس از سال ۱۳۵۷ قرار دارند. این به ضعف کشاندن کارگران باعث شده که سرمایه داران هر بلایی که می‌خواهند بر کارگران روا دارند و بقول معروف شمشیر را از رو ببندند. با توجه به بحث تشکلات کارگری در ایران و دخالت سازمان جهانی کار و ابراز اینکه این سازمان جهانی سرمایه در نظر دارد طبق مقاوله نامه‌های ۷۸ و ۸۹ خود در ایران تشکلات کارگری منطبق با این مقاوله نامه‌ها را سامان دهد، و با توجه به درگیری جناح‌های "دوم خرداد" برای تسلط بر امور کارگری، راه علاج و برون رفت کارگران از موقعیت فعلی در گرو ایجاد تشکلات مستقل کارگری بدون دخالت دولت و نیروهای غیر کارگری در کشور است. ایجاد تشکلات فراکارخانه ای و ملی در ادامه خود توازن قوایی در جامعه بوجود می‌آورد که میتواند در جهت مبارزه سوسیالیستی کارگران توشه واقع شود و جلو این هجوم عریان سرمایه را به دستاوردهای کارگران بگیرد. سازماندهی تشکلات کارگران بیکار در سطح کشور، سازماندهی تشکلات کارگری در کارخانجات و کارگاه‌های کوچک در سطح ملی، و مهم تر از همه

اسلامی کار نماینده کارگران ایران نیستند، از آنطرف برای خفه کردن صدای اعتراض شوراهای اسلامی، حسن صادقی را در تصویب لایحه جدید شورایی کار دخالت داد و امضاء او را پای مصوبه شورایی کار برای خروج کارگران کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر از شمول ۳۷ ماده قانون کار گذاشت. می بینیم که برخلاف نظر اعلام شده از طرف این دوستان، در موقعیت فعلی هیچ یک از تشکلات کارگری دست ساخته جبهه دوم خرداد (شوراهای اسلامی کار و انجمن صنفی کامیون داران و روزنامه داران) اعتراضی به این مصوبه نکرده و واقعاً خفه شده اند. حال این دوستان خواهان شرکت نمایندگان کارگران در تصویب قانون کار شده اند.

با توجه به توازن قوای درون جامعه، سرنوشت هر قانونی از جمله قانون کار در سطح بین المللی و کشوری را مبارزه کارگران در میدان نبرد تعیین می کند نه نشست نمایندگان در پشت میز مذاکره. هم چون حرکت ماه مارس و آپریل کارگران ایتالیا که باعث شد لایحه عدم تضمین کار دائم از مجلس بازپس گرفته شود. (حتماً این نظر به کارگران ایتالیا خواهد گفت این کاری است ارتجاعی، قانون کار لغو و بروید پشت میز مذاکره بنشینید و با سرمایه داران و دولت مذاکره کنید). آنجا که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه به میدان آید و خواسته های خود را مطرح کند، سرمایه داران به نسبت وزن و قدرت تشکل یابی و رادیکالیسم کارگران مجبورند به بخشی از خواسته های آنان به نسبت قدرت آنها جواب مثبت دهند و قوانینی را بر مبنای خواست آنها به تصویب برسانند. همانطور که در سؤال قبلی گفتم، در بعد فردی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنبه های حمایتی و رفاهی تمامی قوانین موجود در سطح جامعه سرمایه داری نمود تثبیت شده مبارزات اقشار مختلف مردم و طبقه کارگر است نه بخشش سرمایه داری. پیشبرد این مبارزات بستگی به حرکت طبقه کارگر و انتشار تهیدست جامعه دارد که قادر شوند تا سرنوشتی نظام موجود به پیش روند.

بنابراین در مقطع فعلی معضل اصلی کارگران ایران عدم وجود تشکلات توده ای و حزب سیاسی آنهاست. وظیفه کسانی که خود را متعلق به جنبش کارگری می دانند، بخصوص سوسیالیست ها و این دوستان این است که بجای ایجاد چنین کمپین هایی، در جهت جلوگیری از بازپس گیری امکانات موجود کارگران اقدامات عملی را در دستور کار خویش قرار دهند و مشوق سازمانیابی و مدافع منافع آنان باشند، نه خواهان حذف دستاوردهای چندین ساله کارگران شوند که خواست اصلی سرمایه داری در سطح جهان است. به امید پیروزی طبقه کارگر جهانی و تشکر از شما که این فرصت را به من دادید.

سمینار کارگری در استکهلم

کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه ۲۰۰۳ سمیناری را در رابطه با جنبش کارگری ایران برگزار می کند.

در اطلاعات بعدی اسامی سخنرانان اعلام خواهد شد.

زمان: شنبه ۲۶ آوریل ۲۰۰۳ از ساعت ۱۱ صبح تا ۷ شب

مکان: سالن اجتماعات آکسلسبری شماره ۱۲، تونل بان آکسلسبری

ورود برای همه آزاد است.

اطلاعات بیشتر ۰۴۶۷۰۷۴۷۴۳۳۶

bahram.rahmani@telia.com

برگزارکننده: کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران

سرمایه داری ایران پیشنهادی را توسط احمد توکلی وزیر کار بعنوان پیش نویس قانون کار به مجلس ارائه داد. این پیش نویس که تنها بر باب اجاره اسلامی بنا شده بود، همه چیز را بعهد "کارپذیر" و "کارآفرین" گذاشته بود و تنها توافق فردی آنها ملاک قرارداد کار در نظر گرفته شده بود. اما مبارزات بی وقفه کارگران با نفی شعار "همه کارگرد، خدا هم کارگر است" و همه روز روز کارگر است، جلو این حرکت را گرفت و پس از ۴ نوبت که پیش نویس های دیگر بین مجلس و شورای نگهبان سرمایه رد و بدل شد، در نهایت با فرمان خمینی و بوجود آمدن "شورای مصلحت نظام" با توجه به توازن قوای موجود در جامعه قانون کار فعلی که کسی بر ارتجاعی بودن آن شک ندارد، پس از حذف و تعدیل و تعویض بسیاری از مواد آن به تصویب رسید و در سال ۶۹ به دولت اعلام شد.

از همان ابتدای تصویب قانون کار جدید راست ترین جناح سرمایه داری ایران که در اتاق بازرگانی و زیر نظر "جمعیت مؤتلفه اسلامی" جمع شده اند، خواهان لغو همین قانون کار ارتجاعی بودند. آنها برای بازپس گیری جنبه های رفاهی قانون کار شروع به یک حرکت خزنده کردند. با بردن طرح هایی به مجلس در جهت تضعیف جنبش کارگری گامهایی برداشتند. طرح تعدیل نیروی انسانی، خروج کارگران کارگاههای زیر ۵ نفر از قانون کار و بعداً توسط مجلس ششم خروج کارگران قالی باف از شمول قانون کار، برسمیت یافتن کارهای پیمانی و قراردادی. لایحه بازسازی و نوسازی صنایع نساجی و کلیه صنایع کشور، ممنوعیت استخدام رسمی و اخیراً بیرون کردن ۵۲٪ از کارگران ایران از شمول ۳۷ ماده رفاهی قانون کار و تعدیل دریافتی کارگران بیکار شده از صندوق بیکاری از ۵۲ ماه به ۲۴ ماه و... از حرکت تاکنون سرمایه داران در جهت لغو قانون کار بوده است. و بطور یقین کارفرمایان کارگاههای کوچک بالای ۱۰ نفر نیز خیلی سریع کارخانه و کارگاه خود را به چند واحد کوچک ۱۰ نفره تقسیم خواهند کرد و کارگران این کارگاه ها نیز شامل این مصوبه خواهند شد و عملاً قانون کار برای بخش عظیمی از کارگران ایران لغو خواهد شد. با در نظر گرفتن موقعیت فعلی کارگران، حاملین این نظر با پرچم لغو قانون کار به میدان آمده و ناخواسته شعار راست ترین جناح سرمایه داری ایران را مطرح نموده است.

از طرفی اعلام شده که "تصویب قانون کار توسط نمایندگان کارگران". اولاً کدام نماینده کارگری؟ کارگران تشکل ندارند که نماینده داشته باشند. (بایستی توجه کنیم که این شعار در همین مقطع و برای حال طرح شده، چرا که در مقابل فراخوان بین المللی نوشته شده است). اگر منظور نمایندگان دوم خردادی است، (که فکر نمی کنم چنین باشد) خود اینها عملاً با مصوبه هایشان مشغول لغو قانون کار هستند. مصوبه اخیر شورایی کار دست پخت همین نمایندگان دوم خردادی است. اگر غیر از این است که نمی توان به امید روزی نشست که کارگران تشکل بوجود آورند، نماینده انتخاب کنند، قدرت بگیرند و آتوقت همراه با نماینده سرمایه داران و دولت پشت میز مذاکره برای تصویب قانون کار بنشینند. تازه در این مرحله این شعار سوسیال دمکراتها است. که خواهان حرکت کارگران در چهارچوب نظام سرمایه داری هستند. این یک شعار رفرمیستی است که متأسفانه شعار بعضی از تشکلات سیاسی نیز می باشد. اینها از منتخبین کارگران می خواهند که سرنوشت کارگران را در پشت میز مذاکره با صاحبان قدرت حل کنند. مارکس می گوید: «در تضاد کار و سرمایه، همواره سرمایه ثابت و کار متغیر است که در این چهارچوب این همواره کار است که مجبور به تبعیت از سرمایه می باشد». لذا شرکت نمایندگان کارگران در تصویب قانون کار چه در کشورهای پیشرفته صنعتی و چه در دیگر کشورها که حرف آخر را سرمایه داران می زنند و نه نمایندگان کارگران، باعث خواهد شد که همین نمایندگان مجبور شوند جلو حرکت رادیکال کارگران را بگیرند. چرا که خود در تصویب این قانون شریک بوده اند. کاری که جبهه مشارکت و وزارت با دکتر حسن صادقی بعنوان نماینده کارگران ایران کرد. وزارت کار که زیر نظر جبهه مشارکت اسلامی است با اعلام این که شوراهای

مسائل مبرم جنبش کارگری ایران جهان امروز در گفتگو با چند تن صاحب نظر

رضا مقدم

جهان امروز: از نظر شما رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته به آن در تعقیب چه سیاست‌هایی به بحث تشکلهای کارگری و مسائل مربوط به آن می‌پردازند؟

رضا مقدم: جریانی که به بحث تشکلهای کارگری و تغییر قانون کار پرداخته است تنها رژیم اسلامی و نهادهای وابسته به آن نیست. این جنبش اصلاحات سیاسی است که بخشی از رژیم اسلامی و نهادهای وابسته به آن را نیز در بر گرفته است. بدنه و نیروی اصلی جنبش اصلاحات سیاسی خارج از رژیم اسلامی است و شامل بسیاری از جریانات سیاسی اپوزیسیون خارج کشور نیز میشود.

هدف این جنبش ایجاد شرایط یکسان سیاسی و حقوقی برای کلیه صاحبان سرمایه و صنایع برای کسب سود است. هدف این جنبش لغو کلیه امتیازاتی است که بخشی از صاحبان سرمایه و صنایع تنها به دلیل نزدیکی به مراکز قدرت از آن برخوردار هستند. تغییرات سیاسی مورد نظر جنبش اصلاحات که ایجاد برابری سیاسی و حقوقی بین صاحبان صنایع و سرمایه برای دستیابی به دولت و مراکز قدرت است تضمینی برای همین هدف است.

بنابراین طبقه کارگر ایران برای مقابله با تغییر قانون کار نباید تنها به رژیم و ارگانهای وابسته به آن چشم بدوزد. طبقه کارگر باید علیه کل جنبش اصلاحات متحد و منسجم شود. جنبش اصلاحات شامل احزاب و سازمانهای بسیاری در رژیم و خارج از آن است و جناحهای متفاوتی دارد. با مشکلاتی که هم اکنون جبهه دوم خرداد با آن روبرو شده بخشی از جریانات جنبش اصلاحات سیاسی از جمله گنجی تاکتیک خود در قبال رژیم اسلامی را تغییر داده‌اند و خواهان یک رژیم غیر مذهبی شده‌اند. تاکتیک نیروهای سیاسی در قبال رژیم اسلامی تغییری در ماهیت سیاسی و اهداف آنها نخواهد داد و جنبش کارگری ایران نباید این را از نظر دور بدارد.

هدف جنبش اصلاحات تسلط سیاسی و ایدئولوژیک بر جنبش کارگری است. تصور مرسوم مانع پیروزی جنبش اصلاحات را جناح راست و یا محافظه کار می‌داند در صورتیکه مانع اصلی جنبش اصلاحات سیاسی جنبش انقلابی خلق کرد برای رفع ستم ملی و جنبش کارگری است. جنبش اصلاحات هیچ ابزار و امکانی برای کنترل این دو جنبش از درون ندارد در صورتیکه در جنبش دانشجویی دارد.

مبارزه کارگران و رژیم اسلامی بر سر قانون کار فعلی که از سال ۶۱ شروع شد در بطن جدال انقلاب و ضد انقلاب جریان داشت. کارگران می‌کوشیدند تا به همه آنچه در دوران انقلاب عملاً بدست آورده بودند جنبه قانونی دهند و رژیم اسلامی هدفش حذف تمامی دستاوردهای کارگران در دوران انقلاب بود که از جمله مهمترین آنها حق تشکل و اعتصاب، ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته بود. مستقل از نظراتی که در جنبش کارگری درباره هر ماده و تبصره قانون کار وجود داشت مبارزه بر سر قانون کار بر بستر مبارزه انقلاب و ضد انقلاب بود و در همین چارچوب قابل تحلیل و بررسی بود.

مبارزه فعلی بر سر قانون کار بر بستر تلاش جنبش اصلاحات برای تسلط سیاسی و ایدئولوژیک بر جنبش کارگری قرار دارد. می‌توان در مورد تک تک مواد و تبصره‌هایی که تغییر آن در دستور قرار دارد بطور درخود بحث کرد اما فقط وقتی بررسی این مواد میتواند جایگاه واقعی خود را بیابد که در

چارچوب حل و فصل شدن یک مسئله بسیار مهمتر که رابطه بورژوازی ایران با گرایشات درون جنبش کارگری است قرار بگیرد.

در تمام دوران شاه بورژوازی ایران هیچگاه نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی بر جنبش کارگری و دانشجویی نداشت و اساساً این نیروها و فعالین چپ بودند در این دو جنبش نفوذ و اعتبار و اتوریته داشتند. پس از انقلاب هر دو این جنبش‌ها مورد هجوم خشن رژیم اسلامی قرار گرفتند و بسیاری از فعالین آنها دستگیر، زندانی و اعدام شدند و یا به ناچار به خارج کشور گریختند. جنبش اصلاحات با استفاده از این سرکوبها توانسته است برای اولین بار در تاریخ ایران مابه ازای سیاسی نیروهای بورژوایی ایران را در جنبش دانشجویی ایجاد کند و ابزارهای کنترل سیاسی این جنبش را از درون، هم از نظر عقیدتی و سیاسی و هم از نظر تشکیلاتی بوجود آورد.

هدف جنبش اصلاحات تفوقی از این جنبش بر جنبش کارگری است و مبارزه بر سر قانون کار قرار است پروسه تحقق این هدف باشد.

هدف جنبش اصلاحات این است که در این پروسه آن گرایشی در درون جنبش کارگری بسیج، منسجم و متشکل شود که به مصائب کارگران در یک نظام سرمایه‌داری واقف است اما راه حل خلاصی از آن را همکاری با سرمایه‌داران می‌داند. تغییر قانون کار پروسه یافتن و پرورش کادرها و فعالین جنبش اصلاحات در میان طبقه کارگر است. فعالین و رهبران این گرایش همانند فعالین شوراهای اسلامی مزدوران رژیم و سرمایه داران نیستند. اینها همان خط مشی، سیاست و عقایدی را مثلاً برای مبارزه بر سر افزایش دستمزد کارگران دارند که دشمنان طبقاتی کارگران داشتند را برای کارگران مجاز می‌دانند. بورژوازی ایران و رژیم‌های آن هیچگاه هیچ ابزاری بجز سرکوب صرف برای کنترل جنبش کارگری نداشته‌اند. ابزار تسلط اینها بر طبقه کارگر همواره بر سرکوب خشن، و بی حقوقی و از جمله محروم بودن از حق تشکل و اعتصاب متکی بوده است. بورژوازی ایران حتی نوع اسلامی آن که یک رژیم ایدئولوژیک است هیچگاه نتوانسته است تفوق و یا نفوذ سیاسی بر جنبش کارگری ایران داشته باشد. تا آنجا که به مسئله تشکل برمی‌گردد، رژیم اسلامی هنگامی که تمام شوراهای کارگری ایجاد شده در دوران انقلاب را منحل کرد و فعالین و رهبران جنبش کارگری را اخراج و دستگیر و اعدام کرد دچار این خیال شد که کار جنبش کارگری تمام شده است و شوراهای اسلامی را که دست ساز خودش بود و در سرکوب جنبش کارگری بیشترین نقش را داشتند را نیز منحل کرد. وقتی اولین قانون کار توکلی منتشر شد و جنبش کارگری علیه آن بپاخواست، رژیم اسلامی مجدداً شوراهای اسلامی را فراخواند تا در سرکوب اعتراضات کارگری علیه قانون کار در رکابش باشند.

تمام تلاشها و فعالیت‌های رادیکالها و سوسیالیست‌های جنبش کارگری باید به شکست کشاندن هدف تسلط سیاسی جنبش اصلاحات بر جنبش کارگری باشد. نباید اجازه داد جنبش اصلاحات مابه ازای سیاسی خود را در جنبش کارگری ایجاد کند.

جهان امروز: مبارزه برای ایجاد تشکل‌های کارگری چه ارتباطی با مبارزه عمومی برای آزادیهای دموکراتیک و مبارزه عمومی علیه رژیم اسلامی دارد؟

رضا مقدم: این ارتباط تابعی است از نوع تشکل کارگری که جریانات مختلف برای ایجاد آن مبارزه می‌کنند. صرف نظر از شوراهای اسلامی و خانه کارگر که اصولاً نمی‌توان آنها را در چارچوب تشکلهای کارگری مورد نقد و بررسی قرار داد، در تاریخ جنبش کارگری اساساً دو نوع تشکل کارگری وجود داشته و دارد که متکی هستند بر دو نگاه و تحلیل بنیاداً متفاوت از نظام سرمایه داری و راه مبارزه برای خواستهای کارگری. تشکلهای کارگری متکی بر همکاری طبقاتی و تشکلهای کارگری متکی بر مبارزه طبقاتی.

مسائل مبرم جنبش کارگری ایران

را جلب کند و برای آن باید تلاش کرد و به توافقاتی رسید. اما برای مبارزه با شکل گیری یک جریان طرفدار اصلاحات در درون جنبش کارگری همان همکاری و اتحاد را نمی توان ایجاد کرد. در مبارزه برای قانون کار بهتر حتی جریانات و گرایشاتی که بیشترین زمینه و خمیره را برای طرفداری از جنبش اصلاحات در جنبش کارگری را دارند نیز می توانند با دیگر گرایشات همکاری کنند البته نه بر سر همه مطالبات و مثلاً موادی نظیر حق تشکل و حق اعتصاب. بطور مشخص در این مورد بیشترین اختلاف بین گرایشات وجود خواهد داشت.

منافع هیچ یکی از این دو مبارزه نباید فدای دیگری شود. هم باید برای قانون کار بهتر مبارزه کرد و نباید اجازه داد که بورژوازی ایران تحت رهبری جنبش اصلاحات جا پا و نفوذ سیاسی و عقیدتی در جنبش کارگری پیدا کند.

جهان امروز: فعالین طرفدار جنبش کارگری در خارج از کشور چه تأییراتی بر این روند می تواند داشته باشند؟

رضا مقدم: با جنبش اصلاحات طرفداران جنبش کارگری در خارج کشور نیز دستخوش تغییراتی شده اند و اهداف یکسانی را دنبال نمی کنند. بخشی متوجه تغییرات نیست و یا نمی خواهد باشد و سیاستها و فعالیت‌های قبل از جنبش اصلاحات را انجام می دهد، نظیر شکایت بردن نزد سازمان جهانی کار. بعضی از این هم فراتر رفته و سازمان جهانی کار را برای رسمیت شناختن یا نشناختن تشکلهای کارگری حکم قرار داده اند.

سازمان جهانی کار یکی از اصلی ترین نیروهای حامی جنبش اصلاحات برای جا باز کردن و پرورش کادر برای جنبش اصلاحات در جنبش کارگری ایران است. بنابراین هر گرایش فعالیت‌های مورد قبول خود را خواهد کرد. باید سیاست‌های جنبش اصلاحات را برای جنبش کارگری ایران توضیح داد و تفاوت‌های این دوران را تشریح کرد. باید تلاش کرد تا سیاست‌های متفاوت گرایشات درون جنبش کارگری برای توده کارگر شفاف باشد.

با این حال میشود عموماً همگی در به سراغ اتحادیه‌های کارگری در خارج کشور رفتن و تلاش برای جلب حمایت آنها از مبارزه کارگران ایران برای قانون کاری بهتر جلب کرد.

یکی از ضعفهای جنبش اصلاحات فقدان کادرها و رهبران خوشنام در جنبش کارگری است. اینها در خارج و داخل در تلاشند تا از فعالین جنبش کارگری عضو گیری کنند. سازمان جهانی کار و از این طریق بخشی از اتحادیه‌های کارگری می کوشند تا به اشکال مختلف در این عضوگیری به جنبش اصلاحات کمک کنند، از جمله تشویق به همکاری و ترتیب ملاقات و تشکیل جلسات. فعالین جنبش کارگری در خارج در افشاگری حول این مسئله امکانات بسیاری در اختیار دارند تا این سیاست را با شکست مواجه کنند.



⇒ آن دسته از تشکلهای کارگری که بر مبنای همکاری طبقاتی بنا می‌شوند و این نوع از تشکل است که مورد نظر جنبش اصلاحات در ایران نیز هست، می تواند بدون ارتباط با مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک ایجاد شود و به حیات خود ادامه دهد. تنها آن گرایش از جنبش کارگری یعنی سوسیالیست‌ها و رادیکال‌های جنبش کارگری که خواهان ایجاد تشکلهای کارگری بر مبنای مبارزه طبقاتی هستند، مبارزه اشان همانطور که همیشه بوده، در چارچوب یک استراتژی عمومی تر برای ایجاد آزادی‌های دموکراتیک در جامعه و رژیم‌های دیکتاتوری حاکم قرار دارد و هیچ یک بدون دیگری نمی‌توانند مدتی طولانی دوام داشته باشند.

تشکلهای مورد نظر جنبش اصلاحات که حمایت سازمان جهانی کار را هم با خود دارد و مشخصات آن را مطبوعات از زبان کارشناسان و گزارشات آی ال او" و فعالین جنبش اصلاحات بیان می کنند، تشکل کارگری مستقل از دولت، سیاست و احزاب است. این نوع تشکل‌ها همانند تمام اهداف جنبش اصلاحات در چارچوب همین رژیم اسلامی قابل تحقق است.

نزدیک به صد سال است که این تنها گرایش رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری بوده که برای خواست حق تشکل و اعتصاب مبارزه می‌کرده است. با جنبش اصلاحات بورژوازی ایران نیز همین مطالبات را طرح کرده است. این مسئله رادیکال سوسیالیست‌های جنبش کارگری را ناچار کرده تا تفاوت تشکلهای مستقل کارگری مورد نظر خود را با تشکلهای مورد نظر جنبش اصلاحات بیان کنند.

با علنی شدن نقش سازمان جهانی کار در حمایت از اهداف جنبش اصلاحات در جنبش کارگری و از جمله برای ساختن تشکلهای کارگری و مطالب بسیاری که در همین رابطه منتشر شده البته هنوز هستند کسانی آنها انکار می کنند. انکار اینها اساساً برای پنهان کردن اهداف یکسانی است که با جنبش اصلاحات در جنبش کارگری دارند. روند اوضاع بیش از پیش آنها را ناچار می کند تا یا به یکسانی اهداف و یکسانی تشکلهای مورد نظر جنبش اصلاحات با خود اعتراف کنند و یا مرز و تفاوت خود را با آنها بروشنی بیان دارند. این روندی است تا گرایشات درون جنبش کارگری سیاست‌های متفاوت خود را روشن بیان کنند و توده کارگر را در مقابل خط مشی‌های متفاوت قرار دهند.

جهان امروز: تغییرات در قانون کار چه تأییراتی بر زندگی و مبارزات کارگران دارد و از نظر شما کدام حلقه اصلی در بحث قانون کار در شرایط حاضر می تواند بیشتر به وحدت طبقاتی کارگران و مبارزاتی آنان کمک بوساند؟

رضا مقدم: مبارزه بر سر قانون کار برای طبقه کارگر بسیار اساسی است. چرا که مجموعه‌ای از مطالبات کارگری که برای دوره‌ای مبنای رابطه کارگران و سرمایه داران است را یکجا موضوع مبارزه قرار می دهد. این مبارزه‌ای است که پیروزی و یا شکست هر کدام تأثیرات درازمدت بر روابط هر دو طرف کارگر و سرمایه دار می گذارد.

در پایان مبارزه بر سر قانون کار فعلی، موقعیت سیاسی رژیم اسلامی و یا جناح‌هایی از آن در میان طبقه کارگر و جنبش کارگری تغییر نکرد. ضدیت کارگران با رژیم اسلامی و شورا‌های اسلامی کماکان باقی ماند.

در مبارزه فعلی باید یک تناسبی بین مبارزه برای گنجاندن موادی بهتر و به نفع کارگران در قانون کار و همچنین مبارزه برای جلوگیری از موفقیت اهداف جنبش اصلاحات در جنبش کارگری بر قرار کرد. نیروهای این دو وجه از مبارزه لزوماً یکسان نیست. مبارزه برای گنجاندن بسیاری از مطالبات و نه همه آنها، به نفع کارگران در قانون کار میتواند همکاری گرایشات مختلف

هلمت احمدیان

پس لرزه‌های ۹ اسفند!

حاکمیت بطور مشخص و درون صفوف بورژوازی علی‌العموم است که در واقع دید ناظر بر خروارها نوشته، تفسیر و تحلیل از رویدادهای روزانه آنان از مسائل سیاسی جامعه ایران است. چه تلاش‌ها که صورت نگرفت تا

ثابت گردد که این رژیم دو جناح «خوب» و «بد» دارد. دو جناح «مدرن» و «عقب مانده» دارد. دو جناح «توتالیتر» و «دموکرات» دارد. ما گفتیم بر فرض صحت هر درجه‌ای از این تمایزات و تفاوت‌ها، هر دو جناح اصلی رژیم روی مسائل اصلی و تعیین کننده، همچون شیوه نجات رژیم از گزند فشار و ضربه پایینی‌ها، روی راه حل و راه‌کارهای اقتصادی، سرمایه جهانی و.. اختلافات آشتی‌ناپذیر ندارند. هر دو جناح هر لحظه که برابر مردم قرار می‌گیرند، اختلافاتشان فروکش می‌کند و همسویی‌شان پررنگتر می‌گردد. گفتیم که حتی محافظه‌کارترین افراد درون این حاکمیت نیز ظرفیت تبدیل شدن به «اصلاح طلب» را دارند. همین مورد آخری «انتخابات» شوراها نشان دهنده این مسئله بود که جناح محافظه کار اینبار مبتکر نمایش «دموکراسی» در روال «انتخابات» گردید.

تنها کسانی که منافعشان به فعل و انفعالات در کردارهای دستگاه حاکمیت و در تضاد و کشمکش بالایی‌ها گره خورده است، می‌توانند در بررسی رویدادهایی از قبیل ۹ اسفند، به صرافت بیفتند و نسخه‌ها و «منشور» های خود را برای نجات از زیر آوار «زلزله‌های سیاسی» ارائه دهند. «پس لرزه» های این جنابان، در واقع نگرانی از زلزله‌ای است که توده‌های زجر دیده و محروم ایران. برای خنثی کردن پیشبرد پروژه‌های بورژوازی ایجاد کرده‌اند. بازارگرمی و چاره‌جویی‌های اینان در قالب «منشور»ها و مانیفست‌های «دموکراسی» و «جمهوری» خواهانه رایج در دوره اخیر، تلاشی است برای دور کردن توده‌های مردم از خواست‌های سیاسی و طبقاتی شان و دخالت مستقیم آنان.

از جناح‌ها و بلوک بندی‌های فعلی رژیم می‌تواند شکل گیرد، کماینکه تا حدی شکل گرفته است.

اذعان به این امر، علیرغم اینکه بارها در رویدادهای سیاسی چند سال گذشته مثلا در عملکرد خاتمی بارها خود را نشان داده است، با منافع تحلیل‌گران منتظر به خدمتی که چشم به راه سهمی در بین این شکاف‌ها هستند، خوانایی ندارد. آنها همواره مشغول تمیز «خوب» و «بد» در حاکمیت هستند.

اکنون بعد از چند سال ناکامی، در حالیکه همه تلاش‌های جناح و گرایشانی که از «دوم خرداد» سال ۷۶، پرچمی برای خود ساختند می‌گذرد، ثابت گردید که نمی‌شود با این پرچم، بحران‌های فزاینده در جامعه ایران را مهار کرد و بی‌کفایتی این جنابان در بسیاری از تند پیچ‌های سیاسی و اجتماعی چند سال گذشته ثابت شد. حادثه‌ای که در ۹ اسفند امسال اتفاق افتاد، تنها یکی دیگر از این برگه‌های بی‌کفایتی است، که قبلا هم به اشکال مختلف تجربه شده است.

از این رو است که چه هوراکشیدن اینان در مقطع ۲ خرداد ۷۶ و چه نفرین و آه و ناله شان در ۹ اسفند امسال، هر دو عوامفریبانه است.

بجاست که از قلم زنان لیبرالی که اکنون بسیج شده و شکست فاحش مضحکه «انتخابات شوراها» شهر و روستا را بر خلاف گذشته نه پرده‌پوشی، بلکه جار می‌زنند، سؤال کرد که چه خبر شده که شما بالاخره به این نتیجه رسیدید که امید به اصلاح طلبی درون حاکمیت جمهوری اسلامی امر عبث و بیهوده‌ای است؟ این «پس لرزه» های شما بخاطر کدام «زلزله‌سیاسی» است؟

قطعا زلزله و تکان‌هایی از پایین و اجتماعی مورد نظر آنها نیست. تحلیل رویداد ۹ اسفند برای آنان طبق معمول از سر فعل و انفعالات درون

نما از وضعیت خود آنها نیز بشمار نمی‌رود، چرا که مضحکه «انتخابات» این دفعه در مقایسه با کارزارهای دیگر از این نوع، از طرف همه جناح‌های درونی رژیم نیز، کمتر مورد توجه قرار گرفت. نتیجه‌گیری‌های سطحی و جنجالی مفسران لیبرال حاکمیت از این رویداد و صدور احکام «افراطی» که با همه قضاوت‌ها و تفسیرهای چند سال اخیرشان «مغایرت» دارد، کاملا آگاهانه و البته عوامفریبانه است.

صحبت از تفسیرهای قلمزنان لیبرال در این رابطه شد. این مسئله بطور واقعی طرف دیگر سکه همان نوع تحلیلی است که در دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و بدنبال شرکت وسیع مردم در «انتخابات» ریاست جمهوری، از طرف اینان ارائه میشد. مردم در آن مقطع با دلایل قابل فهمی - نه الزاما قابل تایید - به آن شکل می‌خواستند «نه» خود را به جمهوری اسلامی ابراز دارند. رای به خاتمی در آن زمان رای «نه» به جناح و گرایشی بود که مظهر جمهوری اسلامی تلقی می‌شد، و به این اعتبار آن رای قبل از هر چیز رای نفی رژیم بود.

ولیکن جنبه دیگر این رای، که بازتاب نیاز مردم به فضایی باز و متفاوت بود، چند سال خمیرمایه و پشت بند تبلیغ و ترویج برای «اصلاح طلبی» جناح درحاشیه مانده از حاکمیت بورژوازی ایران گردید و این امکان را به «جنبش موسوم به دوم خرداد» داد تا شانس خود را، با تلاش برای فتح سنگ‌های رژیم بیازماید، که به تجربه و در عمل ثابت شد که فراسوی ساختارهای فقهاتی رژیم، نمی‌توان کار متفاوتی که در ظرفیت حاکمیت کنونی نباشد، انجام داد. ثابت شد که اگر قرار باشد روزی رژیم جمهوری اسلامی، خود را با نیازهای بورژوازی ایران و نیازهای بازار و سرمایه جهانی منطبق کند، گرایشی نو و سنتزی نو

بین ۱۲ تا ۱۵ درصد واجدین شرایط در «انتخابات» شوراها شهر و روستا در نمایش روز ۹ اسفند شرکت کردند. در «انتخابات» اینبار، از فیلترهای همیشگی محافظه‌کاران مثل نظارت استصوابی، شواری نگهبان و غیرو خبری نبود و به این اعتبار طیف وسیعتری توانسته بودند، کاندیدا شوند، ولیکن تنوع کاندیداتوری، سبب رونقی برای شرکت مردم در این مضحکه نشد و مردم با بی‌تفاوتی به آن برخورد کردند. در بازار کساد «انتخاباتی» اینبار، کرسی‌های «نماینده‌گی» بویژه در تهران و شهرهای بزرگ غالبا توسط کاندیداهای محافظه‌کاران اشغال شد و به این اعتبار این بار «اصلاح‌طلبان» مغلوب «محافظه‌کاران» شدند.

هرچند کل این «انتخابات» شکستی دیگر برای کل رژیم با همه جناح‌هایش بود، ولی این امر بویژه، تشمت درون «دوم‌خردادیها» را بیشتر کرد و همزمان با این رویداد بزرگترین تشکل دانشجویی مربوط به این جبهه، یعنی دفتر تحکیم وحدت از این «جبهه» جدا شده و به جبهه دموکراسی خواهان پیوست. همچنین این رویداد، نیروهایی همچون اکثریت، که به گرمی فراخوان شرکت در انتخابات داده بودند، سر جای خود نشاند و آنها را به صرافت بررسی علل به سنگ خوردن تحلیل و ارزیابی و فراخوان‌شان کشاند.

این رویداد، در قیاس بحران عمومی‌ای که رژیم جمهوری اسلامی علی‌العموم با آن درگیر است و در قیاس تضادهای درون بورژوازی ایران، برخلاف تحلیل و تفسیرهای بخشی از اپوزیسیون، مطلقا آنگونه که امثال سازمان اکثریت عنوان می‌کنند حادثه‌ای بزرگ یا به عبارت دیگر «زلزله سیاسی» بحساب نمی‌آید. نه تنها رویداد بزرگی نیست، بلکه بعکس، حتی در چارچوب کشمکش‌های درونی جناح‌های رژیم، آینه‌ای تمام

گوشه‌های از برگزاری مراسم روز جهانی زن در کردستان



سندج: بنا به گزارشات رسیده از چند روز قبل تحرک و جنب و جوش تازهای در میان مردم آزادیخواه سنندج بخصوص جوانان انقلابی این شهر در استقبال از ۸ مارس روز جهانی زن شروع شد. به همین مناسبت کار تبلیغی و آگاهگرانه دوستان و فعالین کومه‌له در سطح بسیار گسترده‌ای در میان مردم و محلات مختلف شهر صورت گرفت. برخی از شعارها و تراکتها پخش شده از این قرار بودند: گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن - آزادی زن و مرد در همه عرصه‌ها - دستمزد برابر در ازاء کار برابر برای زنان - زنده‌باد حزب کمونیست ایران - زنده‌باد کومه‌له - زنده‌باد سوسیالیسم.

مانع برگزاری مراسمهای مستقل شوند و خود قصد برگزاری مراسم دولتی را داشتند و تصور میکردند میتوانند اوضاع را به این شکل در کنترل داشته باشند. اما بر خلاف تصور آنان کنترل مراسم دولتی هم از اختیارشان خارج شد. در اینجا گزارش چندین مراسم را که در روز جمعه و شنبه ۷ و ۸ مارس در شهر سنندج برگزار شد به اطلاع میرسانیم.

۱- عصر روز جمعه ۷ مارس دهها تن از جوانان دختر و پسر با اجتماع در کوه آبی‌در مراسم گرامیداشت روز جهانی زن را جشن گرفتند. در این مراسم اطلاعیه و نوشته و تراکت و شعارهای کومه‌له و حزب کمونیست ایران که به مناسبت این روز تهیه شده بودند در سطح وسیع در میان شرکت کنندگان پخش شد. زنان و دختران با نسب پلاکارد بزرگی بر بلندی کوه آبی‌در بر آن نوشته شده بود (گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن) بر بخش دیگری از این پلاکارد نوشته شده بود (ما خواهان حل بحران عراق به نفع تودهای زحمتکش این کشور هستیم). پایان بخش این گردهمایی پخش شیرینی بمناسبت روز جهانی زن بود. صبح همان روز مراسمهای دیگری در آبی‌در و کانی شفا برگزار شد که قبلاً گزارش آنها را به اطلاع رساندیم.

۲- بنا به گزارشی دیگر عصر روز ۱۶ اسفند ماه مراسمی در باشگاه فرهنگیان سنندج با حضور عده زیادی از زنان و مردان در گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن برگزار گردید. این مراسم توسط انجمن حمایت از زنان که یک تشکل زنانه غیردولتی است فراخوان داده شده بود. در این مراسم چندین نفر بمناسبت روز جهانی زن سخنرانی کردند و شعر خواندند. در پایان این مراسم میزگردی با حضور فعالین این انجمن برگزار شد که به سوالات شرکت کنندگان جواب دادند. این مراسم بیش از ۳ ساعت طول کشید.

۳- بنا به گزارشی دیگر از شهر سنندج در روز ۸ مارس روز جهانی زن با حضور صدها تن از زنان و مردان شهر مراسمی در سالن فرهنگی خمینی واقع در خیابان اکباتان برگزار شد. این مراسم که مجوز آن از سوی مقامات دولتی صادر شده بود بیشتر به این هدف بود که مانع دیگر مراسم های مستقل و غیردولتی گردد. اما واقعیت این بود که از همان لحظات اولیه، مراسم از کنترل مجریان دولتی خارج شد و رنگ و بوی مذهبی آن از بین رفت. دلیل آنهم ناشی از جو و فضای رادیکال و انقلابی بر شهر سنندج و بی اعتباری جمهوری اسلامی در میان مردم آزادیخواه این شهر است. این مراسم از ساعت چهار بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۷ ادامه داشت. در این مراسم چندین نفر به مناسبت روز ۸ مارس روز جهانی زن سخنرانی و شعر خواندند. در پایان مراسم شیرینی در میان شرکت کنندگان پخش شد.

۴- بنا به خبری دیگر روز شنبه ۸ مارس حدود صد نفر کوهنورد بمناسبت روز جهانی زن از کوه آبی‌در تا (مهمانسرای منابع طبیعی) حرکت دستجمعی تحت عنوان کوه پیمایی برگزار کردند. کوه نوردان با خود پلاکاردهای در گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن حمل میکردند. بر پلاکارد بزرگی نوشته شده بود گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن، آنها قصد تجمع و برگزاری سخنرانی در برابر مهمانسرای منابع طبیعی داشتند. اما حضور نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که به منظور جلوگیری از این تجمع در آن محل گردآمده بودند کوهنوردان نتوانستند مراسم مورد نظر را برگزار کنند.

جدا از این مراسمها و گردهماییهای که در این اطلاعیه و اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم تجمعات گوناگون دیگری هم در دسته ها و جمع و محافل دوستانه و خانوادگی در استقبال از گرامیداشت روز جهانی زن در شهر

طبق گزارشی دیگر، منطقه (کانی شفا) هم در روز جمعه به محل تجمع جوانان آزادیخواه تبدیل شد و عده زیادی در این محل گردآمدند. کانی شفا و راههای منتهی به آن هم با اطلاعیه و تراکت، شعار و نشریات کومه‌له و حزب کمونیست ایران تزیین شده بود. صدها نسخه اوراق تبلیغی در این منطقه در دسترس و اختیار مردم قرار گرفت. در این منطقه نیز حاضرین در گروهها و تجمعات مختلف به بحث و تبادل نظر پیرامون روز جهانی زن و اوضاع و احوال سیاسی کنونی جامعه و دیگر مسائل روز پرداختند.

همچنین بخشهایی از بیانیه حقوق زن مصوبه کنگره کومه‌له بصورت شعارهای دیگر بر روی بخشی از تراکتها و اوراق تبلیغی در کوه آبی‌در و کانی شفا نوشته شده و در میان حاضرین و در مسیر راه گذاشته شده بود.

بر اساس گزارش دیگری در روز سه شنبه ۲۰ مارس مراسم دیگری با شرکت ۱۵ زن و دختر در سالن اجتماعی سه ری سالمندان واقع در خیابان جام جم برگزار شد. این مراسم از ساعت ۱۰ صبح شروع و تا ۱۲/۵ ادامه داشت. در این مراسم چند نفر از شرکت کنندگان به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن سخنرانی کردند. در پایان مراسم شیرینی به مناسبت ۸ مارس در میان شرکت کنندگان پخش شد. این مراسم توسط سازمان زنان غیر دولتی فراخوان داده و برگزار شد.

امسال زنان مبارز و آزادیخواه سنندج در سطح وسیعی مراسم روز جهانی زن را برگزار کردند که از حمایت بی دریغ مردان برابری طلب نیز برخوردار بودند.

بنا به گزارش دیگری از سنندج استقبال از روز جهانی زن در این شهر بسیار وسیع و به اشکال مختلف صورت گرفته است. شایان ذکر است که نیروهای انتظامی و لباس شخصی جمهوری اسلامی کاملاً مراقب اوضاع بوده و از چند روز قبل مردم و جوانان این شهر را زیر نظر داشتند. سعی آنها این بود که

مردسالارانه و ارتجاعی و تبعیض و نابرابری بپاخیزید! - ۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد. کار تبلیغی وسیع فعالین کومه‌له تأثیر مثبتی در میان مردم مبارز شهر سقز بر جای گذاشته و در سطح گسترده‌ای مردم از آن با خبر شده‌اند.

بنا به خبر دیگری که از شهر سقز دریافت کرده‌ایم مراسم و تجمع‌های مختلف در این شهر برگزار شده است. علی‌رغم کوشش زیاد فعالین جنبش زنان برای برگزاری مراسم‌های مستقل مسئولین حکومتی از برگزاری چنین مراسم‌های جلوگیری کرده‌اند. بناچار فعالین سیاسی و مدافعین جنبش برابری طلبی زن و مرد به دور از انظار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی تجمعات خود را برگزار کرده‌اند.

در یکی از این تجمعات که روز شنبه ۸ مارس در منطقه‌ای خارج از شهر برگزار شد دهها تن از زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و برابری‌طلب شرکت داشتند. ابتدا مراسم با یک دقیقه سکوت بیاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و رفیق زنده یاد محمد گللابی که اخیراً در زندان سقز توسط جلاان اسلامی اعدام شد شروع گردید. سپس یکی از زنان شرکت‌کننده در مراسم ضمن خوش‌آمدگویی به شرکت‌کنندگان آن گردهمایی و تبریک ۸ مارس روز جهانی زن، درباره تاریخچه مبارزاتی زنان در جوامع سرمایه‌داری و روز ۸ مارس سخنانی ایراد کرد. سپس قطعه شعری کوتاه توسط یکی از حاضرین خوانده شد. در ادامه برنامه یکی از زنان در مورد ستم و بیعدالتی و تبعیض حکومت‌های سرمایه‌داری و ضرورت آگاه شدن و مبارزه متحدانه زنان در مقابل نظام‌های طبقاتی و استثمارگر سرمایه‌داری سخنانی ایراد کرد. بعد از آن قطعه شعر دیگری توسط یکی از حاضرین دیگر خوانده شد. در ادامه برنامه یکی از زنان شرکت‌کننده مقاله‌ای در مورد تاریخچه ۸ مارس و مشکلات زنان قرائت کرد. بعد از آن دستجمعی سرود کردی خوانده شد که شور و شوق فراوانی به مراسم بخشید. بعد از آن سرود، یکی از مردان شرکت‌کننده در مراسم قطعه شعری به یاد رفیق رزمنده جانبخته محمد گللابی عضو حزب کمونیست ایران و کومه‌له و شعری در مورد ستم بر زنان خواند. در ادامه مراسم یکی دیگر از مردان حاضر در این گردهمایی با گرامی داشت ۸ مارس روز جهانی زن، ستم و بیعدالتی علیه زنان و علل آن را در جوامع سرمایه‌داری مورد بحث قرار داد و آن را ضد انسانی و علیه همه بشریت دانست و محکوم کرد. پایان بخش مراسم پخش میوه و شیرینی در میان شرکت‌کنندگان بود.

برگزاری مراسم روز جهانی زن

در شهر وان ترکیه از جانب کمیته کومه‌له

هشتم مارس، روز جهانی زن، در تاریخ ۷ مارس ۲۰۰۳ در شهر وان از طرف اعضا و هواداران کومه‌له و حزب کمونیست ایران برگزار گردید. در ابتدا مراسم با نواختن سرود انترناسیونال آغاز شد و بدنبال، یک دقیقه سکوت به احترام به جانبختگان مبارزه در راه رهایی زنان ادامه یافت. در این مراسم که بیش از ۱۵۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، پیامهایی از جانب:

- اعضای حزب کمونیست ایران در شهر وان
- هواداران کومه‌له در شهر وان
- کمیته نروژ حزب کمونیست ایران
- کمیته زنان شهر وان
- مقاله‌ای از جانب یکی از فعالین مبارزات زنان در اروپا، خوانده شد.

در این مراسم همچنین سرود و دکلمه‌هایی از جانب شرکت‌کنندگان اجرا گردید.

بخش دوم مراسم هم به پذیرایی و جشن و پایکوبی مهمانان سپری شد.

کوشه‌های از برگزاری مراسم روز جهانی زن

سنندج، همگام و همزمان با جنبش آزادیخواهانه زنان در سرتاسر جهان برگزار شده است. طی روزهای جمعه و شنبه ۱۶ و ۱۷ اسفند فضای شهر سنندج به تمامی عوض شده بود. جوی از شادی و خوشحالی عمومی در میان مردم انقلابی این شهر موج میزد و شهر برای استقبال از روزی بزرگ و گرامی خود را آماده میکرد، روز زن. شعارها و مطالبات انقلابی و رادیکال این تجمعات نشانگر حضور وسیع زنان کردستان در میدانهای مبارزه جنبش انقلابی و از سوی دیگر نشانه حضور و نفوذ جریان کمونیستی کومه‌له در میان زنان کردستان است که به حق خود را از کومه‌له و کومه‌له را بخشی از جنبش انقلابی و مبارزاتی خود برای تحقق خواستها و مطالبات عادلانه و برابری‌طلبانه خود دانسته و میدانند. شرکت فعال در جنبش زنان کردستان یکی از نقاط قوت و برجسته کومه‌له در طول بیش از ۲۴ سال فعالیت علنی این تشکیلات است. کم نیستند زنان مبارز و انقلابی که طول این دو دهه در سنگرهای مختلف مبارزه انقلابی در صفوف کومه‌له مبارزه کرده و متأسفانه جان باخته‌اند. حمایت بیدریغ کومه‌له از زنان و خواستها و مطالبات آنها، سمت و سو دادن به جنبش انقلابی زنان، مبارزه در صفوف این جنبش علیه گرایش‌های عقب مانده و انحرافی بخشی از دو تاریخ به هم پیوسته کومه‌له و مبارزات زنان در کردستان است که هیچ کس و جریانی قادر به تفکیک این دو جریان از هم نیست. کومه‌له نفوذ، اعتبار و پیشروی خود را در کردستان از جنبش‌های انقلابی و رادیکال از جمله جنبش زنان، جنبش کارگری و جنبش توده‌ای رادیکال گرفته است. فاصله گرفتن هر چه بیشتر این جنبش‌ها از سموم ناسیونالیستی، مذهبی و غیر کمونیستی ضامن پیشروی و پیروزی آنها در حال و آینده است. این جنبش‌ها بر کومه‌له تأثیر گذاشته و از آن تأثیر پذیرفته است. ارزش جنبش انقلابی زنان را بعنوان بخشی از جنبش کارگری و آزادیخواهانه برای برچیدن نظام مذهبی و ارتجاعی اسلامی و نهایتاً حکومت سوسیالیستی باید دانست و برای تقویت و گسترش روزانه آن، دیدن نقاط ضعف و قوت آن، گامهای موثر و راهگشا برداشت.

بنا به گزارشی در روز ۱۵ و ۱۶ اسفند در روستای (کور کوره) از توابع سنندج نیز با اطلاعیه و نوشته‌های کومه‌له به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن رفت. در یکی از کوههای اطراف این روستا پرچم سرخی که توسط فعالین کومه‌له نصب شده بود در اهتزاز بود.

بنا به خبری روزهای ۱۶ و ۱۷ اسفند به مناسبت روز جهانی زن در سطح وسیعی تراکت و اطلاعیه‌های کومه‌له و حزب در روستای (هه شمیز) پخش شده است. همچنین بر روی کوه برابر (به‌رانبهر) پرچم سرخی به مدت سه روز در اهتزاز بوده است. این پرچم توسط فعالین کومه‌له و به مناسبت روز جهانی زن بر افراشته شده بود.

سقز: بنا به اخبار و گزارشی که از شهر سقز دریافت کرده‌ایم بار دیگر شهر سقز طی چند هفته اخیر شاهد پخش گسترده اطلاعیه و نوشته‌های کومه‌له و کار تبلیغی وسیع رفقای کومه‌له در این شهر بود.

بنا به گزارشات رسیده در شب سه شنبه ۱۳/۱۲/۱۳۸۱ فعالین و دوستان کومه‌له و حزب کمونیست ایران بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن تراکت و اعلامیه‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له را در سطح شهر سقز بطور وسیع و چشمگیری پخش نمودند.

عنوان برخی از شعار و تراکت‌ها که با امضای کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) عبارت بود از: ۱۷ اسفند روز جهانی زن گرامی باد، زنان آگاه و انقلابی علیه هرگونه ستم، بردگی و اسارت زن و فرهنگ

تجمعات وسیع اعتراضی مردم بمناسبت چهارشنبه‌سوری در شهرهای کردستان

و مأمورین سپاه به محل آمدند. چند نفر از جوانان که با دوربین قصد فیلمبرداری از مراسم شادی و خوشی مردم را داشتند مورد هجوم نیروهای رژیم قرار گرفتند. مردم با افراد سرکوبگر درگیر شده و آنها را کتک‌کاری کردند. در این هنگام شعار رسای زنده باد کومه‌له، زنده باد حزب کمونیست ایران از میان جمعیت طنین انداز شد و مزدوران رژیم فرار را بر قرار ترجیح داده و از محله (کمیز) گریختند. شایان ذکر است که بعد از دخالت نیروهای رژیم و حمله به تجمع آرام مردم، جوانان معترض شیشه‌های بانک محله را شکستند. در محله خسروآباد (خسرهو ناوا) و در کوچه خانقا هم مردم زیادی جمع شده و آتش روشن میکنند و به ترقه بازی میپردازند. نیروهای انتظامی به قصد مزاحمت و جلوگیری از برگزاری مراسم شادی و خوشی مردم به این محله هم هجوم می آورند. مردم ناراضی در مقابل یورش آنها مقاومت نموده و مأمورین رژیم را کتک‌کاری کرده و آنها را فراری می‌دهند. در این محله هم مردم یک صدا شعار زنده باد کومه‌له (بژی کومه‌له) و زنده باد حزب کمونیست ایران سر میدادند و به شادی و خوشحالی میپرداختند.

در دامنه کوه آبیدر و دیگر تپه‌های اطراف شهر و در تمام کوچه و خیابان و محلات شهر آتش روشن شده بود. از گوشه شهر صدای ترقه و نور آتش و فریاد شادی و خوشی زنان و مردان و دختران و پسران جوان برخاسته بود. شهر یک پارچه غرق در جشن و شادی بود و نوید شادی بزرگتر، شادی مرگ و نابودی جمهوری اسلامی را میداد.

به دلیل اینکه این مراسم در تمام شهر بوده و محدود به خیابان و محلات معینی نبوده از ذکر اسامی خیابان و کوچه‌ها خودداری میکنیم.

طبق آخرین گزارشات در تجمعات آرام مردم که با ابراز شادی و خوشحالی به مناسبت چهارشنبه‌سوری و آمدن سال تازه برگزار شد، نیروهای سرکوبگر رژیم با قهر و خشونت با مردم رفتار کرده و دهها تن از جوانان و مردم آزادیخواه سنندج را دستگیر و روانه زندان کرده‌اند. تا این لحظه آمار دستگیرشده‌گان بالغ بر ۶۰ نفر است.

سفر: بنابه گزارشاتی که از شهر سقز دریافت کرده‌ایم، مراسم چهارشنبه‌سوری در این شهر هم با شکوه خاص و با حضور انبوه مردم این شهر برگزار شده است. از روز دوشنبه ۲۶ اسفند تحرک و جنب و جوش زیادی در آماده شدن برای استقبال از مراسم چهارشنبه‌سوری و آمدن سال تازه و نوروز در میان مردم این شهر به چشم میخورد. از روزها قبل اجتماعات در خیابان اصلی شهر و فلکه هلو شروع شد بود. آتش روشن کردن و ترقه بازی مدتها بود که آغاز شده بود اما در روز دوشنبه چندین درگیری و ضد و خورد میان مردم و نیروهای رژیم به وقوع پیوست. مأمورین رژیم که مانع شادی و خوشی جوانان و مردم میشدند از دست آنها بارها کتک خوردند.

بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۷ اسفند از ساعت ۲ به بعد فضای شهر کاملاً عوض شده بود. از یک طرف، شادی و خوشحالی مردم همراه با صدای انفجارهای عظیم و از طرف دیگر حضور گسترده نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همراه با ترس و وحشت در همه کوچه و خیابانها دیده می شد. رژیم نیروی نظامی، لباس شخصی، گارد ویژه، افراد سپاه و اطلاعاتی زیادی را وارد شهر کرده و درآمده باش کامل با تمام تجهیزات نظامی به سر میبردند. مسئولین جمهوری اسلامی تصور داشتند با حضور گسترده نیروهای امنیتی و نظامی مردم و جوانان را وحشتزده کرده و آنان را ناچار به ترک کوچه و خیابانها میکنند. اما برعکس تصور آنها، حضور گسترده ←

براساس گزارشات دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج کشور شهرهای کردستان بمناسبت چهارشنبه‌سوری شاهد تجمعات وسیع مردم بوده است.

بعداز ظهر سه شنبه ۲۷ اسفند فضای شهر و روستاهای کردستان غرق در شادی و خوشحالی و بر افراشتن آتش در کوچه، خیابان و کوهها و بلندشدن صدای ترقه و خنده جوانان و کودکان از هر محله و خیابانی بوده است. در داخل شهرها صدای ترقه و آتش بازی و بر ارتفاعات و بلندی کوهها شعله‌های آتش زبانه‌میکشید که یادآور روزهای بعد از قیام ۵۷ و دورانی بود که کردستان از حضور نیروهای مسلح رژیم خالی بود.

مراسم چهارشنبه‌سوری امسال تقریباً در تمام شهرها و روستاهای کردستان بعداز ظهر سه شنبه ۲۷ اسفند برگزار شد. در این روز فضای شهرها و روستاهای کردستان غرق در شادی و خوشحالی شد و مردم با برافراشتن آتش در کوچه، خیابان و کوهها و ... وسیعتر از همه سالهای قبل در آن شرکت داشتند. حضور وسیع مردم در این تجمعات از یک طرف به اوضاع و احوال سیاسی و مبارزاتی جامعه و تغییر آشکار توازن قوا میان مردم و رژیم مربوط است که به نفع مردم تغییر کرده است و از سوی دیگر به زیر پا گذاشتن قوانین و منکرات مذهبی جمهوری اسلامی ربط دارد که این مراسمها را حرام و غیراسلامی و ممنوع اعلام کرده بود. شرکت وسیع و گسترده مردم در این اجتماعات توده‌ای و ناظر بودن روحیه سیاسی و مبارزاتی بر آنها نشانه بارزی بر بی اعتباری حکومت اسلامی در میان مردم کردستان و امید به پایان دادن به عمر ننگین این حکومت سرکوبگر است.

در زیر خلاصه‌ای از این گزارشات که مفصلاً از طرف نمایندگی منتشر و در سایت کومه‌له آمده را ملاحظه می کنید.

سنندج: این مراسم از ساعت ۵/۵ بعدازظهر به شیوه وسیع و

بسیار در سنندج برگزار شد. دهها هزار تن از مردم مبارز در کوچه و خیابانهای مختلف شهر تجمع نموده و با روشن کردن آتش و ترقه بازی فضای شهر را عوض کردند. از هر کوچه و خیابانی شعله‌های آتش به آسمان برخاسته بود و صدای ترقه از دور شنیده می شد.

از چند روز قبل نیروهای انتظامی، لباس شخصی و گارد ویژه در حالت آماده باش بسر میبردند. این نیروها آنروز تقریباً در تمام چهار راهها و نقاط مهم و حساس شهر مستقر شده بودند. در میدان اقبال چندین مینی بوس مملو از نیروهای گارد ویژه مستقر شده بودند تا ضمن کنترل منطقه و جلوگیری از تجمع مردم در میدان، در صورت نیاز به کمک دیگر افراد مسلح رژیم در اقصا نقاط شهر اعزام شوند. همچنین پمپ بنزین میدان اقبال را بسته و به شدت از آن محافظت میکردند که مبادا توسط مردم خشمگین به آتش کشیده شود. در همه خیابانهای شهر نیروهای انتظامی و گارد ویژه و لباس شخصی مستقر و حرکات و تجمعات مردم را زیر نظر و کنترل داشتند. در خیابان ۶ بهمین و فردوسی میان نیروهای سرکوبگر رژیم و مردم درگیری و زد و خورد روی داد. جوانان در حین آتش بازی، ترقه و نارنجک دستساز به جلو پا و حتی داخل ماشین نیروهای رژیم پرتاب میکردند و آنها را مسخره می نمودند. افراد مسلح رژیم به مردم و جوانان یورش آوردند که با مقاومت توده ای روبرو شدند و افراد رژیم را کتک‌کاری کردند. در این دو خیابان تعدادی از مردم دستگیر و عازم بازداشتگاه شدند.

در محله (کمیز) مردم زیادی اجتماع کرده و آتش روشن کرده بودند. جوانان در حال بازی با ترقه و فشفشه بودند که نیروهای انتظامی و لباس شخصی

تجمعات وسیع اعتراضی مردم مناسبت چهارشنبه‌سوری در شهرهای کردستان

سرکوبگران اسلامی خشم مردم و جوانان را از آنها بیشتر کرد و باعث زدوخورد و درگیریهای متعدد در سطح شهر شد.

و لحظه به لحظه بیشتر می شد. در اکثر کوچه و خیابانهای شهر با آتشزدن لاستیک، آتشیهای بزرگی برپا شد. در چهار راه آزادی که تجمع ممنوع اعلام شده بود جوانان و مردم زیادی اجتماع کردند و ضمن ترقه بازی، آتش روشن کردند. در میدان حیوانات مردم زیادی اجتماع کرده و به شادی و خوشی پرداختند که مورد یورش نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند. مردم نیز جسورانه از خود دفاع و مزدوران رژیم را کتک‌کاری کردند. در چهار راه مولوی هم اجتماع و درگیری میان مردم و نیروهای جمهوری اسلامی که چشم دیدن شادی و خوشی مردم را نداشتند صورت گرفت. بر اکثر کوهها و بلندیهای مشرف بر شهر و اطراف شهر آتش روشن شده بود. بر کوههای "زاوا بوک"، قسمت پایین داشامجید"، "دول که رویشکه"، "تپه قاضی" و بسیاری از مکانهای دیگر آتش روشن کرده بودند که تا پاسی از شب آتوها همچنان روشن بودند.

بنا به آخرین گزارش تعدادی از جوانان و مردم شهر در جریان درگیری و زدوخورد با مزدوران رژیم دستگیر و روانه زندان شده‌اند. دستگیریهای امروز در شرایطی است که هنوز تعدادی از زندانیان هفته قبل آزاد نشده و کماکان در بازداشت به سر می‌برند.

بدینوسیله مردم مبارز شهر مهاباد علی رغم حضور گسترده نیروی نظامی، گارد ویژه و لباس شخصی و ممنوعیت برگزاری اجتماعات و اختار رسمی و تهدید به تیراندازی توسط مقامات رژیم در شهر، برای دومین بار طی کمتر از ده روز، اجتماعات بزرگ و توده‌ای برگزار کردند و با اتحاد و هوشیاری خود ضمن اهمیت ندادن به فشار و تهدیدهای جمهوری اسلامی بار دیگر بی اعتباری رژیم در میان مردم کردستان و عزم آگاهانه خود را برای زیر پانهادن قوانین اسلامی و نهایتاً سرنگونی جمهوری اسلامی به همگان نشان دادند.

بوکان: بنا به گزارشات رسیده شهر بوکان نیز همگام با دیگر شهرهای

کردستان به شکل وسیعی به استقبال مراسم چهارشنبه سوری و آمدن سال تازه رفت. در این شهر هم هزاران تن در اجتماعات گوناگون در مناطق و محله‌های مختلف این شهر شرکت نموده و با روشن کردن آتش و ترقه بازی به شادی و خوشحالی پرداختند.

مراسمهای متعدد مردم بوکان در شرایطی برگزار شد که نیروهای سرکوبگر رژیم در این شهر هم در حال آماده باش کامل بوده و مدام در حال گشت زنی و استقرار در خیابان و محلات بودند. نیروهای اطلاعات، سپاه، لباس شخصی و نیروی ویژه از ابتدای روستای علی‌آباد تا فلکه کلتپه کاملاً مستقر شده و کل منطقه را زیر نظر داشتند.

علی رغم این حضور گسترده، بزرگترین اجتماع در فلکه فرمانداری و بلوار کردستان برگزار شد که چندین هزار نفر در آن شرکت کردند. مردم با برآفروختن آتش و ترقه بازی و پرت کردن ترقه به میان سرکوبگران تا ندان مسلح رژیم، مزدوران جمهوری اسلامی را مسخره کردند. نیروهای مسلح سپاه، اطلاعات و نیروی ویژه که چشم دیدن تجمع آرام و شادی و خوشحالی مردم را نداشتند به آنها حمله ور شده و برای متفرق کردن مردم تیراندازی هوایی کردند.

در خیابان چهار راه اسکندری جوانان با روشن کردن آتش و پرت کردن ترقه به طرف مزدوران رژیم و به داخل ماشینهای آنان، آنها را مسخره میکردند. در خیابان بیست متری و کوچه سید شکره و کوچه و منطقه اطراف سیلو و اطراف کمربندی مردم آتشیهای فراوانی روشن کرده و در اطراف آنها به رقص و پایکوبی میپرداختند. مزدوران رژیم به این مناطق هجوم می آوردند و ضمن درگیر شدن با مردم و جوانان، آتشیها را خاموش میکردند. اما بعد از چند لحظه بلافاصله آتشیها توسط جوانان و مردم تشنه شادی و خوشحالی شعله‌ور میشد.

در کوچه و خیابانهای مختلف منطقه میرآباد هم تجمعات گوناگون با شرکت مردم این محلات بخصوص جوانان و زنان برگزار شد. در خیابان میرآباد، خیابان شمس‌برهان، مردم با روشن کردن آتش و ترقه بازی به شادی

از ساعت ۲ بعداز ظهر به بعد خیابان اصلی شهر از مسجد جامع و میدان هملو تا منطقه گاراج سنندج مملو از جمعیت بود. لحظه به لحظه بر حضور مردم افزوده می شد. بطوریکه لحظاتی بعد عبور و مرور ماشین‌ها از این خیابان قطع شد. استقرار گسترده نیروهای انتظامی، ویژه و لباس شخصی که به منظور جلوگیری از مراسم شادی و خوشی مردم مستقر شده بودند باعث خشم و نارضایتی مردم گردید. افزایش لحظه به لحظه بر جمعیت و ابراز شادی و خوشحالی که با ترقه بازی و درکردن فشفشه همراه بود مزدوران رژیم را خشمگین کرد و به اجتماع کنندگان یورش بردند. مردم و جوانان شجاعانه در مقابل آنها مقاومت کرده و از خود دفاع نمودند. با پرتاب کردن نارنجک دستساز و ترقه به جلو پای نیروهای رژیم آنها را مسخره میکردند. در جریان مقابله با هجوم افراد رژیم آنها را مفصلاً کتک کاری کردند. زدو خورد و درگیری تا غروب در این خیابان و دیگر نقاط شهر ادامه داشت. در بسیاری از این اجتماعات و درگیریها مردم و جوانان به نفع کومهله و حزب کمونیست ایران و در ضدیت با رژیم شعار میدادند.

در دیگر خیابان و کوچه های شهر نیز هزاران تن اجتماع کرده و به روشن کردن آتش و ترقه بازی پرداختند. در کوهها و تپه‌های اطراف شهر نیز آتشیهای مختلفی روشن شده بود.

بنا به آخرین گزارشات رسیده در اجتماعات و درگیریهای امروز در شهر سقز هم عده‌ای از جوانان و مردم آزادیخواه این شهر دستگیر و توسط سرکوبگران اسلامی روانه زندان و شکنجه‌گاهها شده‌اند.

مهاباد: هفته گذشته مردم مهاباد با اجتماع گسترده خود مراسم

چهارشنبه سوری در این شهر برگزار و نیروهای رژیم را غافلگیر کردند. بنا به گزارشات دیگری روز سه‌شنبه ۲۷ اسفند مردم مبارز شهر مهاباد همراه با مردم دیگر شهر و روستاهای کردستان به کوچه و خیابانهای شهر آمده و با برگزاری اجتماعات، روشن کردن آتش و ترقه بازی به شادی و خوشحالی پرداختند.

رژیم که از هفته قبل به شدت از تجمع مردم شهر نگران بود طی این مدت با مانور دادن در سطح شهر و تجمع مزدوران محلی بخصوص (خانهای منگور) و اعزام گارد ویژه از شهر میاندوآب که مجهز به تجهیزات کامل و گازآشک‌آور و باطوم بودند فضای کاملاً میلیتاریزه بر شهر حاکم کرده بود.

روز دوشنبه ۲۶ اسفند اطلاعیه‌هایی در سطح شهر پخش شد که مردم را از گردهمایی و برگزاری اجتماعات به مناسبت چهارشنبه سوری برحذر می داشت و نوشته شده بود که در چهار راه آزادی تجمع ممنوع است. برخی از این اطلاعیه‌ها با امضای شورای شهر بود. در اکثر چهار راهها دوربین مخفی گذاشته بودند تا افراد را شناسایی کنند. مأمورین اطلاعات و برخی از خانهای مزدور منگور با لباس شخصی در میان مردم پراکنده و به شناسایی افراد پرداخته و در جریان گسترش اعتراضات چندین نفر را دستگیر کردند. به اکثر شیشه بانکها تور و نرده‌های فلزی نصب کرده بودند تا در صورت پرتاب سنگ و غیره شیشه بانکها محفوظ باشند. در شهر مهاباد دو عابر بانک وجود دارد که بوسیله کارت میتوان از آنها پول دریافت کرد. هر دوی این عابر بانکها را بسته و با نرده‌های آهنی حفاظهای محکمی برای آنها درست کرده بودند. از بعد از ظهر بازار تعطیل شد. علی‌رغم تدابیر شدید امنیتی از ساعت چهار بعدازظهر صدای انفجار ترقه و فشفشه از هر کوچه و خیابانی شنیده می شد

آب آشامیدنی مردم شهر سنندج با مواد شیمیایی آلوده شد!

تجمعات وسیع

و خوشحالی پرداختند. فرمانده پایگاه میرآباد که فردی به اسم بهروز نوروزی است همراه با مزدوران دیگر به محل تجمع مردم میروند و ضمن ضدیت با روشن کردن آتش و ترقه‌بازی چند تن از جوانان را دستگیر و قصد بردن آنها به پاسگاه را داشت. مردم و جوانان دیگر به اعتراض پرداخته و ضمن درگیر شدن با آنها، افراد دستگیر شده را آزاد و مزدوران را فراری میدهند.

در اطراف مسجد امام حسن در محله میرآباد ماشینی از مزدوران به آن منطقه رفته و به خاموش کردن آتش میپردازد. مردم اجتماع کننده بخصوص زنان و جوانان با آنها درگیر شده و آنان را فراری میدهند. جدا از مناطق مختلف شهر بر بلندبهای "ناله شکینه" و کوه "بردزرد" و دیگر ارتفاعات اطراف شهر آتشهای بزرگی روشن بود که از همه شهر دیده می شد و تا دیری از شب ادامه داشت. لازم به یادآوری است که مردم مبارز شهر بوکان در روز جمعه گذشته نیز مراسم با شکوهی در فلکه فرمانداری به مناسبت چهارشنبه سوری برگزار کردند. در آن مراسم مزدوران اسلامی به اجتماع آرام مردم حمله کرده و دهها تن از مردم و جوانان را دستگیر و زندانی کردند. طی چند روز اخیر عده‌ای از بازداشت شده‌گان رابا قرار وثیقه و سپردن سند خانه و دکان و غیره آزاد و تعدادی همچنان در زندان به سر می‌برند.

در اجتماعات و گردهماییهای روز سه‌شنبه ۲۷ اسفند نیز دهها تن از جوانان شهر بوکان دوباره دستگیر روانه بازداشتگاه شده‌اند. کومه‌له ضمن محکوم کردن خشونت و سرکوبگری نیروهای مزدور جمهوری اسلامی علیه اجتماعات آرام مردم شهر بوکان و مه‌آباد و دیگر مناطق کردستان، همه انسانهای آزادیخواه، احزاب سیاسی، نیروها و نهادهای چپ، کارگری و مدافع حقوق بشر را برای اعتراض به دستگیری مردم کردستان و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها فرا میخواند.

بنا به اخبار منتشر شده روز پنج‌شنبه ۱۵ اسفند بعثت واژگونی یک تانکر حامل مواد شیمیایی و نشت مواد شیمیایی از تانکر دیگر، آب سد قشلاق که آب آشامیدنی مردم شهر سنندج را تأمین میکند مسموم شده است. طبق گزارش تمام مواد شیمیایی کامیون اول و بخشی از مواد کامیون دوم هم به داخل سد نشت کرده است. این حادثه در نزدیک روستای (عباس‌آوا) در مجاور سد قشلاق اتفاق افتاده است. این دو کامیون از تبریز عازم بوشهر بودند که به دلیل نامشخص تصادف کرده اند. اتفاق این حادثه نیروهای انتظامی کل منطقه را به محاصره کامل در می‌آورند و از درج خبر و علل رویداد خودداری میکنند. مسئولین رژیم در سنندج و شخص استاندار کردستان از اطلاع رسانی صحیح پیرامون این حادثه خودداری میکنند. به مردم و خبرنگاران که جویای خبر میشوند اجازه حضور و کسب خبر نمی دهند. آلودگی زیاد آب که تا روز پنج شنبه دیروز ۲۲ اسفند یک چهارم کل آب سد را فراگرفته بود، امروز تقریباً به کل آب سرایت کرده است. اسدالله رازانی استاندار کردستان در تلویزیون شهر سنندج ظاهر شد و به جای گفتن واقعیات و علل حادثه به توجیه آن پرداخت و گفت آزمایشات انجام شده نشان میدهد که این مواد خطر سرطان ندارد اما برای بدن هم مفید نیست. نامبرده گفت هیأتی کارشناسی برای بررسی علل این حادثه تشکیل شده و نتیجه آن به مسئولین کشور و رئیس جمهور اعلام خواهد شد. استاندار کردستان حاضر به توضیح حقایق برای مردم نشد و با گفتن برخورد به متخلفین، مسئولین اداری جمهوری اسلامی را که اجازه حمل و نقل مواد شیمیایی بدون رعایت ابتدایی ترین موازین امنیتی را صادر میکنند، تیره کرد.

طبق گزارشات دریافتی از شهر سنندج آب آشامیدنی شهر که از رودخانه‌های اطراف تأمین میشود، جیره‌بندی شده و کمبود آب مشکلاتی را برای مردم بوجود آورده است و عوارض حال و بعدی این حادثه باعث نگرانی زیادی در میان مردم شهر سنندج شده است.

نشت مواد شیمیایی به داخل سد قشلاق حاوی مشتقاتی از ام‌تی‌بی‌ای با ۶۰ درصد مواد سمی است و تأمین آب شهر از این سد قطع شده است. (روزنامه‌ایران چهارشنبه ۲۱ اسفند).

بناباه اظهار شاهدان عینی تا بحال تعداد زیادی ماهی و دیگر حیوانات از بین رفته و این رویداد یک فاجعه زیست محیطی به حساب می‌آید.

جمهوری اسلامی تا بحال کاری برای جلوگیری از گسترش مسمومیت آب آشامیدنی شهر سنندج که از سد قشلاق تأمین میشود انجام نداده و همین مسئله باعث آلودگی بیشتر آب این سد شده است. از عوارض این آلودگی برای مردم و منطقه هنوز اطلاع درستی در دست نیست.

رژیم اسلامی این رویداد را تا به حال امنیتی اعلام کرده و از درج درست و به موقع اطلاعات به مردم و افکار عمومی و کمک از سازمانها و نهادهای بین‌المللی برای جلوگیری از گسترش این حادثه و نهایتاً پایان دادن به آن خودداری کرده است.

هرگونه عوارض جانی برای مردم و زیانهای زیست محیطی آن مستقیماً برعهده رژیم جمهوری اسلامی است.

بخش خبری سایت کومه‌له ۲۳/اسفند/۱۳۸۱

گرامیداشت قربانیان حلبجه در شهر ارومیه توسط

نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به خشونت گرایید!

روز ۱۳ اسفند در شهر ارومیه مراسمی در گرامیداشت قربانیان بمباران شیمیایی حلبجه با حضور تعداد زیادی از زنان و مردان معترض در مقابل خانه جوانان واقع در خیابان بانک ساحلی این شهر برگزار شد. مقامات رژیم در ارومیه قبلاً اجازه این گردهمایی را به مدت دو ساعت صادر کرده بودند، اما هنوز این زمان به پایان نرسیده بود که حاضرین در این مراسم مورد یورش نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفتند. افراد مسلح ابتدا از مردم خواستند متفرق شوند، اما حاضرین اعتراض کردند و اعلام داشتند که ما با اجازه قبلی این مراسم را برگزار کرده ایم. چرا ما حق نداریم از هزاران قربانی مظلوم و بی دفاع شهر حلبجه یاد کنیم در صورتیکه هر ساله شما از یک نفر که هزار و چهارصد سال قبل کشته شده است، تحت عنوان عاشورا چندین روز سینه زنی و مراسم برپا می کنید.

در جدل و بحث میان مردم و نیروهای رژیم، اوباشان سپاه پاسداران تجمع‌کنندگان را مورد هجوم قرار داده و به ضرب و شتم آنها پرداختند و گردهمایی آرام آنها را، با فشار و سرکوب و زور اسلحه متفرق کردند. در جریان این یورش، نزدیک به صد نفر دستگیر که اکثراً آزاد شده‌اند. اما تا زمان ارسال این خبر هنوز ده نفر در بازداشت به سر می‌برند. لازم به یادآوری است که این اولین بار نیست که گردهمایی آرام مردم در نقاط مختلف کشور توسط نیروهای انتظامی به خشونت کشانده می‌شود. این واقعیت نشان میدهد که جمهوری اسلامی با زور اسلحه و سرکوب توده‌های ناراضی به حیات خود ادامه می‌دهد.

عرفان مروت جو

تصمیم دولت استرالیا مبنی بر اخراج پناهجویان ایرانی!

سیاست های پناهنده ستیزی دولت استرالیا در طول چند سال گذشته از سوی دولت دست راستی و احزاب راسیستی دیگر روزگار را بر تمامی پناهجویانی که در کمپ های پناهنده گی و یا بهتر بگوئیم زندان های پناهجویی شب و روز را سپری مینمایند، تلختر نموده است. شرایط جدید که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر روی داد، بی شک تاثیرات مخربی جهت مقابله هرچه بیشتر قدرتهای جهانی در امر پناهنده گی ایجاد نموده است.

دولت استرالیا که در زمینه های اقتصادی، سیاسی و نظامی یار و حامی همیشگی آمریکا و انگلیس بوده و اخیرا نیز ناوهای جنگی خود را برای جنگ به منطقه خلیج فارس ارسال داشته، در امر پناهنده ستیزی دست بالائی از تمامی کشورهایی که قبلا پناهنده پذیر بودند را دارد. هنوز چند ماه از قرار دولت استرالیا در مورد پناهجویان افغانی مبنی بر بازگرداندنشان به کشور خود نگذشته که اخیرا وزارت مهاجرت استرالیا بیانیه مطبوعاتی توافق دولت ایران با استرالیا را بر مبنای بازگرداندن اجباری پناهجویان ایرانی را در رسانه های عمومی پخش نموده است. بر اساس این بیانیه که از سوی وزارت مهاجرت استرالیا صادر شده طبق توافقی که با ایران داشته اند پیشنهاد دو هزار دلار استرالیا که معادل تقریبا چیزی کمتر از یک

میلیون تومان بوده را برای هر فرد پناهجوی مجرد و مبلغ ده هزار دلار استرالیا برای هر خانواده پناهجویی که در کمپ های پناهنده گی بازداشت شده اند پیشنهاد شده که به ایران بازگردانده شوند. از جانب دیگر وزیر مهاجرت استرالیا «رادوک» پناهجویان را تهدید کرد که اگر پناهجویان داوطلبانه به ایران برنگردند وقت بازگرداندن آنها فرا خواهد رسید یعنی در ابتدا هشدار کتبی به تمامی پناهجویان از سوی وزارت مهاجرت داده خواهد شد که پناهجویان داوطلبانه خود را برای بازگشت به ایران آماده نمایند که در غیر اینصورت متوسل بزور خواهند شد.

پخش این خبر با واکنش شدید اعتراضی از سوی مجامع و گروه های مدافع حق و حقوق پناهنده گی در استرالیا مواجه شد که این اعتراضات به اشکال پراکنده ادامه دارد. بر اساس آمار و ارقامی که از سوی گروه های مدافع حقوق پناهجویی داده شده، این گروه ها نگرانی خود را از دیپورت ۲۷۷ پناهجوی ایرانی در زندانهای پناهجویی اعلام داشته اند. هم اکنون پناهجویان در یکی از کمپهای پناهجویی در واکنش به این تصمیم استرالیا دست به اعتصاب غذا زداند. این مسئله صرفا به پناهجویان ایرانی ختم نخواهد شد و مسلما به تمامی پناهجویان دیگر ملیتها نیز سرایت خواهد کرد و در آخرین نظری که

وزیر اداره مهاجرت «رادوک» اعلام کرده بود بیان داشت: «بعد از جنگ در عراق و نابودی صدام تمامی پناهجویان عراقی موجود در کمپها را به عراق باز خواهیم گرداند». تصمیم دولت استرالیا مبنی بر اخراج پناهجویان کاملا ضد انسانی و مخالف تمامی قوانین کنوانسیون ژنو است. پناهجویانی که از دست هارترین و مرتجع ترین رژیم های تاریخ بشری فرار و برای کسب حداقل آزادی و رفاه انسانی از دست رژیم کشتار، اعدام، خفقان و ... راههای پر مخاطره زیادی را پشت سر گذاشته و چندین سال از عمر خود را در بازداشتگاه های پناهجویی بسر برده اند هم اینک در معرض دیپورت به جهنم سیاه مذهبی حاکم در ایرانند. برای نجات جان این پناهجویان بایستی اقدام عاجل را بعمل آورد. گروهها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و احزاب و جریانات سیاسی ایرانی بایستی در مقابل این عمل واکنش نشان دهند و از هر گونه عملی که منجر به اعتراض علیه این سیاست ضد انسانی دولت استرالیا میشود، بایستی حمایت کرد.

۱۸ مارس ۲۰۰۳



آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

Communist party of Iran:
دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I.
Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

Representation of Komala abroad:

دفتر نمایندگی کومه له
در خارج کشور
K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Tel/Fax: +46-18-46 84 93
E-mail: komala@cpiran.org

شماره تلفن و فاکس:
۰۰۴۶ ۹۳ - ۱۸ - ۴۶ ۸۴

ساعت های تماس:
برای طرح سوال و
دریافت جواب پیرامون تائیدیه ها
روزهای دوشنبه و جمعه
از ساعت ۹ تا ۷ شب به وقت اروپا
۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۱۵۴۲

در نوبه موارد روزهای سه شنبه و پنج شنبه
از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا

کومه له

در کردستان

دفتر نمایندگی کومه له
در سلیمانیه
Tel . 3124760 - 3125815
کمیته مرکزی کومه له
Tel. 0044-70-775 207 81
komalah@komalah.org



با ارسال
خبر و گزارش،
نظر و پیشنهاد
طرح و عکس،
به انتشار پربارتر
جهان امروز
کمک کنید.

این شماره جهان امروز
بجای ۸ صفحه در ۱۶ صفحه
منتشر می شود.

«جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفا برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می کند.

استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ ۴ با سایز ۱۶ می باشد.

S-E Banken
F-S
53682990054

شماره حساب جهان امروز

جهان امروز

سیاسی، خبری

سر دبیر:
هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می شود.

کنفرانس مطبوعاتی کومهله در فرانکفورت آلمان در رابطه حمله قریب الوقوع آمریکا به عراق

عصر روز چهارشنبه ۱۹ مارس یک کنفرانس مطبوعاتی در محل دفتر حزب سبزهای آلمان در فرانکفورت با شرکت رفیق ابراهیم علیزاده و بدعوت سازمان مدیکو انترناسیونال برگزار گردید.

در این کنفرانس که جمعی از خبرنگاران خبرگزاری آلمان dpa و روزنامه‌های کثیرالانتشار آلمانی حضور داشتند، ابتدا مسئول امور مطبوعاتی سازمان مدیکو هدف از برگزاری کنفرانس را توضیح داد.

سپس رفیق ابراهیم گزارشی از وضعیت سیاسی کردستان ایران و تظاهرات و اعتراضات روز گذشته در شهرهای سنندج و سقز و بوکان و نقاط دیگر کردستان بر علیه جمهوری اسلامی را ارائه داد و به دستگیری‌هایی هم که در این رابطه صورت گرفته است اشاره نمود. آنگاه به وضعیت کنونی در کردستان عراق پرداخت و به موج آوارگی مردم شهرها بسوی مرزها و مناطق روستائی و به کردستان ایران اشاره نمود و تأکید کرد که کومهله از مردم کردستان ایران خواسته است با تمام امکانات به یاری پناهندگان بشتابند. همچنین به مخاطراتی که از جانب دولت ترکیه مردم کردستان عراق را تهدید می‌کند اشاره نمود.

سپس به سوالات متعدد حاضرین پاسخ داد و ضمن ارزیابی وضعیت سیاسی کنونی منطقه، مواضع و سیاست های کومهله و حزب کمونیست را در این رابطه برای خبرنگاران حاضر توضیح داد.

سپس آقای توماس گابور به نمایندگی از طرف سازمان مدیکو انترناسیونال سخنانی در رابطه با ارزیابی سازمانشان از وضعیت ارائه کرد و بویژه بر عوارض و لطمات انسانی قابل پیش بینی در جنگ آمریکا علیه عراق تأکید نمود.

مواضع کومهله در قبال حمله قریب الوقوع آمریکا به عراق

در میتینگ بزرگی در فرانکفورت توسط ابراهیم علیزاده تشریح شد!

عصر روز دوشنبه ۱۷ مارس میتینگ بزرگی در میدان مرکزی شهر فرانکفورت آلمان به دعوت سازمانهای آلمانی مخالف جنگ در اعتراض به حمله آمریکا به عراق برگزار گردید. انعکاس اخبار مربوط به آغاز قریبالوقوع جنگ در مطبوعات و رادیو تلویزیونهای آلمان موجب شده بود که جمعیت کثیری جهت اعتراض به سیاست جنگ طلبانه آمریکا به خیابانها بیایند. یکی از سخنرانان اصلی این میتینگ رفیق ابراهیم علیزاده بودند. سخنان ایشان در تحلیل وضعیت سیاسی و تشریح مواضع کومهله و حزب کمونیست ایران در قبال این جنگ و عوارض ناشی از آن با استقبال گسترده شرکت کنندگان در این میتینگ روبرو شد. رفیق ابراهیم، ابتدا در مقدمه کوتاهی (بزبان انگلیسی) از احساس دوگانه‌ای که در این لحظات دارند سخن گفت. از یک سو مانند میلیونها انسان در سراسر جهان احساس نگرانی از عواقب ویرانگر این جنگ و از سوی دیگر دلگرم از اینکه در قلب اروپا و در میان جمع وسیعی از انسانهای آزاده و صلح طلب فرصت یافته است که صدای متفاوتی را از مردم کردستان بگوش مردم در اروپا برساند.

سپس رفیق ابراهیم با ابراز تأسف از اینکه نمیتواند بزبان آلمانی صحبت کند، سخنانش را بزبان کردی و به کمک مترجم ادامه داد. بزودی فشرده‌ای از این سخنرانی را بدلیل اهمیت مواضع اعلام شده آن در ارتباط با وضعیت فعلی در ارگانهای خبری کومهله و حزب کمونیست ملاحظه خواهید کرد.

صدای انقلاب ایران

صبح ها: ۷ - ۸

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

از سایت

سایت رادیو
صدای کومهله



radiokomaleh.com

حزب کمونیست ایران



www.cpiran.org

سایت کومهله



www.komalah.org

برنامه سراسری رادیو کومهله

«رادیو کومهله» در ادامه برنامه هایی که تاکنون پخش آنها برای ایران و منطقه خاورمیانه بود، برنامه ویژه ای را نیز در سطح سراسری هر یکشنبه از ساعت ۱۸ تا ۱۹ به وقت اروپای مرکزی به دو زبان کردی و فارسی روی موج ۴۱ متر، فرکانس ۷۵۶۰ کیلوهرتز پخش می‌کند.

این برنامه بر روی «سایت رادیو صدای کومهله» و سایت های «کومهله»

و «حزب کمونیست ایران» نیز قابل دسترس است

ساعت و طول موج این رادیو را به اطلاع دوستان

و آشنایان خود برسانید

